

نخبه و نخبگی

(علیهم

از دیدگاه روایات اهل بیت السلام)

فهرست مطالب:

۲	مقدمه
۷	تعریف نخبه
۸	عناوین نخبه در روایات
۱۴	ویژگی های نخبه در روایات
۳۲	وظایف نخبگان نسبت به جامعه
۴۰	حقوق نخبگان بر جامعه / وظیفه جامعه نسبت به نخبگان
۴۸	نقش نخبه در اصلاح و یا افساد جامعه
۵۱	اهمیت و جایگاه نخبگان در جامعه
۵۳	آسیب های نخبه (آفات)
۵۶	فهرست منابع

در هر جامعه ای افراد مختلفی با سلايق و تفكرات مخصوص به خود زندگي مي كنند كه هر دسته از اين افراد طبقات مختلف جامعه را از جهات گوناگون تشكيل مي دهند؛ مانند طبقات اقتصادي، فرهنگي، سياسي، علمي و..

اما هنر مسئولين و برنامه ريزان جامعه آن است كه بتوانند در راه رشد و تكامل همه جانبه جامعه از حداكثر و بلكه از همه ظرفيت آنان كمال استفاده را ببرند و از قوه و استعداد و تواناييهاي آنان بهره كامل را ببرند.

در يك نگاه كلي مي توان اينگونه ديد كه در ميان اقشار جامعه افراد و گروه هاي خاصي وجود دارند كه به نوعي متمايز از مابقي و قدرت تأثيرگذاري بيشتري نسبت به ديگر افراد دارند به طوري كه اكثريت جامعه به نوعي پيروان آنان محسوب مي شوند (البته ذكر اين نکته لازم است كه اين حكم غير قابل تغيير نيست چرا كه تجربه نشان داده است كه در مقاطع مختلف كار عكس شده است و اين اقليت ممتاز بوده اند به تصميمات و پيشامدهاي اكثريت گردن نهاده اند).

در هر فرهنگ و تمدن و جامعه اي بسته به نوع تفكر و ايدئولوژي حاكم بر آن جامعه ملاك و معيار اين افراد كه مي توان آنها را به خواص، برگزيدهگان و يا نخبگان نامگذاري كرد متفاوت است. بالطبع در جامعه اي كه تفكر مادي و ماترياليستي حاكم فرماست معيارهاي دنيايي از قبيل ثروت، قدرت سياسي، شرافت نسب و ... مد نظر گرفته مي شود.

اما با تشكيل جمهوري اسلامي اين ادعا مطرح است كه اصول و سياست هاي حاكمه از اصول و سياست و ايدئولوژي اسلامي خصوصاً از منابع آن كه قرآن و عترت است اخذ شده و مي شود. ادعائي كه مي تواند ثمرات مفيد بسياري به دنبال داشته باشد و خدای ناکرده در اثر نفهمیدن یا بد فهمیدن، عمل نکردن یا بد عمل کردن پیامدهای جبران ناپذیری که کمترین آن ناکارآمدی حکومت دینی در اداره جامعه است را به دنبال دارد.

به لحاظ اهميت اين قشر مهم جامعه و ميزان تأثيرگذاري آن در رشد و تعالي جامعه از جهت مادي و معنوي بايد به طور دقيق كليه مسائل مربوط به اين افراد را از متن آيات و روايات استخراج نمود. و بر اساس آن يك سند متقن و قابل انعطاف تنظيم نمود كه بحمدالله با تدابير و پيگيريهاي رهبري عزيز كه بحق يكي از بي بدليل ترين افراد در خصوص سياستهاي فرهنگي هستند، اين مهم در حال تحقق است انشاءالله.

اما ذكر چند نکته ضروري و لازم به نظر مي رسد:

۱- تجربه اين سي و اندي سال تشكيل جمهوري اسلامي نشان داده است كه متأسفانه يكي از آفات موجود در سيستم مديريتي و برنامه ريزي كشور «شخص محور بودن» است نه برنامه محور بودن. يعني هر دوره اي بسته به نوع تفكر اجرايي كه بر جامعه حاكم مي گردد سياستهاي نيز بر طبق آن تنظيم و با تغيير مديريت، سياستهاي نيز تغيير مي كند يعني سياست هاي سليقه

ای و شخصی؛ در صورتی که سیاستهای کلان به مانند کتاب مرجعی است که باید مدیریت در پی اجرای آن باشد نه تغییر و تحول آن، آنهم گاه متضاد با هم!

اگر تدوین سند راهبردی نخبگان نیز از این امر مستثنی نیست، نباید سند به گونه ای تنظیم گردد که با تغییر اصل معنا و مفهوم نخبه و بالطبع وظائف و تکالیف و دیگر مسائل مربوط به آن تغییر کند.

۲- آنچه ضرورت مراجعه به کلام اهل بیت را برای ترسیم کنندگان سند نخبگان روشن می سازد خطر التقاط و تغییر معنی است. مسئله ای که برای اهل علم و معرفت خطر آن پوشیده نیست. چنانچه این خط باعث فعالیت های گسترده مرحوم شهید استاد مطهری و دیگر اندیشمندان گردید و آن بدان معنی است که در پوسته الفاظ اسلام و روایی معانی غیر اسلامی و منحرف گنجانده شود. نخبه در فرهنگ غربی که معادل کلمه Elite است معنای و مفهوم خود را دارد که طبقه اشراف و قدرت را شامل می گردد و نیز اگر مفهوم این کلمه را منحصرأ در مورد افراد برتر علمی بکار گرفته شود خود انحراف معنای دیگری است. چرا که در روایات ما میان افراد نخبه و تیزهوش تفاوت وجود دارد مثلاً در مورد واژه عقل که وقتی از عقل معاویه از امیرمؤمنان سوال کردند ایشان در جواب فرمودند: «هی شبیهة بالعقل و لیست بالعقل» یعنی آنچه معاویه در حيله گری و حقه بازی از آن بهره می برد عقل نیست بلکه شبیه به عقل است (نکراء) بنابراین بنیاد ملی نخبگان با بنیاد ملی تیزهوشان تفاوت بنیادی و اساسی دارد و برنامه ریزیهای خاص خودش را می طلبد.

۳- استخراج کلیدواژه های مربوط به نخبگی از متن روایت باید با توجه به فضای حاکم در روایات باشد چرا که ائمه علیهم السلام با توجه به مخاطبین خودشان از لحاظ استعداد بهره هوشی، تواناییها، تفکر، ظرفیت پذیرش و میزان اطاعت پذیری آنان و در یک کلام به میزان عقولشان با آنها سخن می گفتند چون بهره افراد از عقل متفاوت است. به همین دلیل ما نمی توانیم واژه های بکار گرفته شده در روایات را ساده بنگریم و از آنها براحتی استفاده کنیم.

مثلاً با اینکه سلمان، ابوذر و عمار از خواص شیعیان امیرالمؤمنان هستند اما می بینیم که برخورد امیرالمؤمنین علیه السلام با این بزرگواران و تعبیر بیان شده در مورد ایشان متفاوت و قابل تأمل است در همین راستا در مورد نخبه چندین کلید واژه از متن روایات استخراج گردید که هر یک از جهت و جهاتی برجستگی افراد مذکور را مطرح میکند که می توان گفت عام ترین کلید واژه که بر دیگر کلید واژه ها قابل انطباق است واژه «العقل» است. اما باید دانست همانگونه که ذکر شد عقل موهبتی است خدادادی که در وجود همه افراد به میزان مختلف به ودیعه گذاشته شده است که نخبه حقیقی کسی است که عقل خویش را احیا نموده است و نشانه احیای عقل در روایات معصومین علیهم السلام بیان شده است. بنابراین به نظر می رسد که این روایات شریفه راه تدوین و برنامه ریزی برای نخبه پروری و مدیریت نخبگان است که افراد فعلی و آیندگان باید به این سمت حرکت کنند.

در سیره اهل بیت علیهم السلام هم این مطلب قابل مشاهده است. اگر چه به لحاظ شرایط تاریخی فرصت قابل چندان پیش نیامده است که ما به طور ملموس روش برخورد حکومت دینی با نخبگان جامعه را مشاهده کنیم اما این بدان معنی نیست که ما نتوانیم از کلام نورانی ایشان در این راه استمداد بجوییم.

اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با نخبگان در عین حال که به تعلیم و تعلم اهمیت ویژه می دادند از تک بعدی شدن افراد و توجه صرف به جنبه های مادی بدون تعالی روح برحذر می داشتند و این نکته کلیدی در چگونگی برخورد با نخبگان است. به امید روزی که تمام جامعه خصوصاً برنامه ریزان کلان کشور خاضعانه در مقابل کلام اهل بیت زانوی ادب زده و از افاضات آن وجودات شریف بهره کامل را ببرند تا به سردرگمی و حیرت دچار نشوند و با عمل به آنها پیام انقلاب و اسلام حقیقی را به تمام نقاط عالم برسانند.

تعریف نخبه

تعریف اول

نخبه فردی است که به دلیل داشتن جایگاه اجتماعی خاص در تغییر ساختار جامعه تاثیر گذار است

فرد: منحصر به یک فرد یا چند نفر معین نیست

جایگاه: اکتسابی یا اعطایی

جایگاه (مقبولیت و پذیرش عمومی) موقعیت اجتماعی یا توانایی های فردی (علمی مذهبی)

توانایی: ذاتی اعطایی اکتسابی

تغییر: مثبت (تعالی و پیشرفت) منفی (انحطاط و عقب ماندگی)

ساختار جامعه: مذهبی، فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی

جامعه: بخشی از جامعه، کل جامعه

تأثیر: به نحو مستقیم (رهبری یا تبلیغی) غیرمستقیم (زمینه سازی)

تعریف دوم

نخبگان افراد برگزیده جامعه هستند که با نبوغ و تلاش و پشتکار، امتیازاتی فردی و اجتماعی اعم از مذهبی، فکری، علمی، سیاسی و اقتصادی کسب می نمایند و به عنوان عنصر تأثیر گذار می تواند زمینه اصلاح و یا افساد توده جامعه را فراهم نماید.

تعریف سوم

افراد خاصی از جامعه که با نبوغ و تلاش و پشتکارشان استعداد های نهفته خویش را شناسایی و شکوفا می سازند و به عنوان عنصر تأثیر گذار زمینه اصلاح و یا افساد توده جامعه را در ابعاد مختلف مذهبی، فکری، علمی، سیاسی و اقتصادی فراهم می نمایند.

عناوین نخبه در روایات

قَالَ النَّبِيُّ «٧»: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى خَوَاصًّا مِنْ خَلْقِهِ يُسْكِنُهُمُ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى مِنْ جَنَّاتِهِ لَأَنَّهُمْ كَانُوا أَعْقَلَ أَهْلِ الدُّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ كَانُوا أَعْقَلَ أَهْلِ الدُّنْيَا
ارشادالقلوب ج ۱ ص ۱۵

ترجمه: خداوند در میان مخلوقات خویش برگزیدگانی دارد که آنها را در درجات عالی بهشت سکنی داده است زیرا که آنها عاقلترین اهل دنیا بوده اند.

- خواص از عناوین نخبه در روایات می باشند

قَالَ النَّبِيُّ «صلى الله عليه وآله وسلم»: إِنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يُهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ فَإِذَا طُمِسَتْ أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهَدَاةُ
بحارالانوار ج ۲ ص ۲۵

ترجمه: علماء در زمین مانند ستارگان آسمان اند که در تاریکی خشکی و دریا راه به وسیله آنها مشخص می شود و هنگامی که نور آنها به خاموشی می گراید ممکن است راه یافتگان گمراه شوند.

- بیان جایگاه علما در تاثیر گزاریشان در اجتماع، در نتیجه علماء از نخبگان می باشند

قال الحسن العسكري «عليه السلام»: ... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلِدُوهُ وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ

وسایل الشیعه ج ۲۷ ص ۱۳۱

ترجمه: ... هر کدام از فقیهان که مراقب نفس خویش باشد و دینش را حفظ کند و با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع امر مولایش باشد بر عوام لازم است که از او تقلید کنند و این شرایط تنها در برخی از فقیهان شیعه می باشد نه همه آنها.

- از عناوین نخبه در روایات علماء می باشند که دستور به تقلید از آنها داده اند

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ «عليه السلام»: إِذَا طَلَبْتُمُ الْحَوَائِجَ فَاطْلُبُوهَا مِنْ أَهْلِهَا قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ أَهْلِهَا قَالَ الَّذِينَ قَصَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَذَكَرَهُمْ فَقَالَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ قَالَ هُمْ أَوْلُوا الْعُقُولِ

اصول کافی ج ۱ ص ۴۰

ترجمه: هنگامی که نیازی دارید آن را از اهلش بخواهید؛ گفته شد: ای پسر رسول خدا چه کسانی اهلش هستند؟ فرمود: کسانی که خداوند در کتابش آنها را یاد کرده و آنها را اینگونه معرفی نموده است: به درستی که فقط اولوالالباب پند می پذیرند و فرمود اولوالالباب صاحبان عقل می باشند.

- اولوالالباب که صاحبان عقل هستند از عناوین نخبه در روایات به شمار می روند

قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: لَا تَصْلِحْ عَوَامَّ أُمَّتِي إِلَّا بِخَوَاصِّهَا. قِيلَ: مَا خَوَاصُّ أُمَّتِكَ؟ فَقَالَ: خَوَاصُّ أُمَّتِي أَرْبَعَةٌ: الْمَلُوكُ، وَالْعُلَمَاءُ، وَالْعِبَادُ، وَالتَّجَارُ

مواعظ العدد ديعه ص ۳۳۶

ترجمه: عوام امت من فقط وقتی اصلاح می شوند که خواص امت من اصلاح شوند؛ سؤال شد: خواص از امت شما چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمودند: خواص امت من چهار دسته می باشند؛ حاکمان، عالمان، عابدان، تاجران.

- ملوک علما و عباد و تجار از خواص جامعه و در نتیجه از نخبگان جامعه محسوب می شوند.

قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّحَا صَلَّحَتْ أُمَّتِي، وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْهُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ

تحف العقول ص ۵۰

ترجمه: اگر دو دسته از امت من اصلاح شوند سایر امت هم اصلاح می شوند و اگر فاسد شوند سایر امت نیز فاسد می شوند. گفته شد؛ ای رسول خدا آن دو دسته چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمودند: فقیهان و امیران.

- فقها و امراء از عناوین نخبه در جامعه هستند

قال علي «عليه السلام»: لما سئل عن احوال العامة .. قال انما هي من فساد الخاصة وانما الخاصة ليقسمون علي

خمس: العلماء وهم الادلاء على الله و الزهاد وهم الطريق الى الله و التجار وهم امناء الله والغزاه وهم انصار دين الله والحكام وهم رعاه خلق الله

مواعظ العدد ديه، صفحه ۱۲۴.

ترجمه: هنگامی که درباره عوام از امیرالمؤمنین سؤال شد، فرمودند: ... فساد عوام در گرو فساد خواص می باشند و خواص پنج دسته اند: عالمان که راهنمایان به سمت خداوند هستند و زاهدان که راه رسیدن به خدا می باشند و تاجران که امینان خداوند هستند و جنگجویان که یاری کننده دین خداوند و حاکمان که تدبیر کننده امور خلق خدا می باشند.

- عناوین ملوک علما و تجار و زهاد و نظامیان از خواص جامعه و در نتیجه از نخبگان جامعه محسوب می شوند.

فِي الزُّبُورِ قُلْ لَأَجْبَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَرُهْبَانِهِمْ حَادِثُوا مِنَ النَّاسِ الْأَتَقِيَاءَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهِمْ تَقِيًّا فَحَادِثُوا الْعُلَمَاءَ وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا عَالِمًا فَحَادِثُوا الْعُقَلَاءَ فَإِنَّ التُّقَى وَالْعِلْمَ وَالْعَقْلَ ثَلَاثُ مَرَاتِبٍ مَا جَعَلْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ فِي خَلْقِي وَأَنَا أُرِيدُ هَلَاكَهُ

بحار الانوار ج ۱ ص ۲۰۶

ترجمه: شهید ثانی در کتاب آداب روایت کرده است که در زبور داوود آمده است؛ ای داوود به عقلا و بزرگان بنی اسرائیل بگو: با مردم پرهیزکار و متقی معاشرت کنند اگر در میان آنها انسانی پرهیزکار نیافتند با علما هم صحبت شوند و اگر آنها را هم نیافتند با عقلا هم صحبت شوند زیرا تقوی و علم و عقل دارای درجه و مرتبه می باشند که هیچکدام از اینها را در کسی که می خواهم او را هلاک کنم قرار نمی دهم.

- علماء ، اتقیا، و عقلا از عناوین نخبه هستند

وَصِيَّةُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ: يَا هَشَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَالْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ

اصول کافی ج ۱ ص ۳۰

ترجمه: حضرت موسی بن جعفر فرمودند: ای هشام خداوند متعال به عاقلان و فهیمان در قرآن بشارت داده استو فرمود: ای رسول خدا به بندگانی که بشارت بده به بندگانی که سخن قرآن را می شنوند و از آن تبعیت می کنند ایشان کسانی هستند که خدا آنها را هدایت کرده و آنها همان اولوالالباب یعنی صاحبان عقل می باشند.

- اهل العقل و اهل الفهم از مصادیق نخبه در روایات می باشند.

- اولوالالباب از عناوین نخبه در روایات می باشند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: «إِنَّ خَيْرَكُمْ أُولُو النُّهْيِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أُولُو النُّهْيِ قَالَ هُمُ أُولُو الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ وَالْأَحْلَامِ الرَّزِينَةِ وَصَلَّةِ الْأَرْحَامِ وَالْبِرَّةِ بِالْأُمَّهَاتِ وَالْآبَاءِ وَالْمُتَعَاهِدِينَ لِلْفُقَرَاءِ وَالْجِيرَانَ وَالْيَتَامَى وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ وَيُقْسُونَ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ وَيُصَلُّونَ وَالنَّاسُ نِيَامٌ غَافِلُونَ

اصول کافی ج ۳ ص ۶۰۹

ترجمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: بهترین شما خردمندانند، عرض شد یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ فرمودند: آنها صاحبان اخلاق نیکو و بردبار و متین و اهل صلح و رحمت و نیکوکاری نسبت به پدر و مادر خویش و اهل رسیدگی به فقیران و همسایگان و یتیمان می باشند.

- خیار کم و اولوالنهی از عناوین نخبه در روایات می باشند.

۱۵ قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: إِنَّ التَّقِيَّةَ مِنْ دِينِ اللَّهِ، وَكَأَ دِينِ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ. وَاللَّهُ لَوْ لَا التَّقِيَّةَ مَا عَبْدَ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ فِي دَوْلَةِ إِبْلِيسَ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَمَا دَوْلَةُ إِبْلِيسَ قَالَ: «إِذَا وَلِيَ النَّاسَ إِمَامٌ ضَلَّالَةٌ فَهِيَ دَوْلَةُ إِبْلِيسَ عَلَى آدَمَ، وَإِذَا وَلِيَهُمْ إِمَامٌ هُدَى فَهِيَ دَوْلَةُ آدَمَ عَلَى إِبْلِيسَ».

مستدرک الوسایل ج ۱۲ ص ۲۳۵

ترجمه: رسول خدا فرمودند: تقیه جزئی از دین خداست و کسی که تقیه نمی کند دین ندارد. به خدا قسم اگر تقیه نبود کسی نمی توانست در زمان دولت ابلیس بندگی خدا کند. مردی عرض کرد دولت ابلیس چه زمانی است؟ حضرت فرمودند هنگامی که امام گمراهی حاکم بر مردم شود آن زمان دولت و حکومت ابلیس بر آدم است و هنگامی که امام هدایتگری حاکم بر مردم شود، آن زمان دولت و حکومت آدم بر ابلیس است.

- امام هدی و امام ضلاله عنوان نخبه سیاسی و مذهبی مثبت و منفی

قال الصادق «عليه السلام»: الْعَاقِلُ مَنْ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا [المشوره] عِلْمًا جَدِيدًا وَيَسْتَدِلُّ بِهِ عَلَى الْمَحْضُولِ مِنَ الْمُرَادِ

بحار الانوار ج ۷۲ ص ۱۰۳

ترجمه: عاقل کسی است بواسطه مشورت و دانش تازه ای بدست می آورد و به سوی مقصود خویش هدایت می شود.

- تعریف عنوان عاقل که یکی از عناوین نخبه در روایات می باشد.

عن أمير المؤمنين «عليه السلام» يَقُولُ: الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ وَحَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ تَخْشَى اللَّهَ وَحَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تُعْجَبَ بِعِلْمِكَ

وسائل الشيعة ج ۱ ص ۱۰۵

ترجمه: ملوک حاکم بر مردم و علم حاکم بر ملوک می باشد و برای عالم بودن همین بس که از خدا خشیت داشته باشی و برای جهل و نادانی همین بس که به علم خویش عجب داشته باشی.

رُوي عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ ع أَنَّ النَّاسَ أَرْبَعَةٌ رَجُلٌ يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ مُرْشِدٌ عَالِمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَرَجُلٌ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ غَافِلٌ فَاتَّبِعُوهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ فَذَاكَ جَاهِلٌ فَعَلِّمُوهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ فَذَاكَ ضَالٌّ فَارْشِدُوهُ

عوالي اللئالی ج ۴ ص ۷۹

ترجمه: همانا مردم چهار دسته اند: مردی که می داند که می داند، او راهنمای دانایی است پس از او پیروی کنید و مردی که می داند و نمی داند که می داند، او غافل است پس او را هوشیار کنید و مردی که نمی داند و می داند که نمی داند، او جاهل است پس او را آگاه کنید و مردی که نمی داند و گمان می کند که می داند، او گمراه است پس او را راهنمایی کنید.

- تبعیت از عالم (عنوان نخبه مثبت)

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْقَاسِمِ «صلى الله عليه وآله وسلم» يَقُولُ اسْتَرَشِدُوا الْعَاقِلَ وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدُمُوا

امالی طوسی ص ۱۵۳

ترجمه: از انسان عاقل راهنمایی بخواهید و با او مخالفت نکنید که پشیمان می شوید.

- عاقل

فَاحْتَفِظُوا مِنَ الْعُلَمَاءِ الْكَذِبَةَ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ ثِيَابُ الصُّوفِ مُنْكَسُو رُءُوسِهِمْ إِلَى الْأَرْضِ يُزَوَّرُونَ بِهِ الْخَطَايَا يَطْرُقُونَ مِنْ تَحْتِ حَوَاجِبِهِمْ كَمَا تَرْمُقُ الذَّنَابُ وَقَوْلُهُمْ يُخَالِفُ فَعَلُهُمْ

ترجمه: مراقب علماء دروغین باشید، آنانکه لباس پشمی می پوشند و سر به زیر می اندازند و قول و فعلشان یکی نیست.

قَالَ «صلى الله عليه وآله وسلم» أَلَا إِنَّ شَرَّ الشَّرِّ شَرَارُ الْعُلَمَاءِ وَإِنَّ خَيْرَ الْخَيْرِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ

بحار الانوار ج ۲ ص ۱۱۰

ترجمه: همانا بدترین بدها دانشمندان بد و خوبترین خوبها دانشمندان خوب می باشند.

- عناوین نخبه سوء

[نهج البلاغه] قَالَ عَلِيٌّ (ع) إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَاءً كَانَ دَاءً

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۵۲۱

ترجمه: همانا گفتار حکیمان در صورت درستی، دارو و در صورت خطا، مایه درد می باشد.

- حکما از عناوین نخبه در روایات می باشند

قَالَ عَلِيٌّ «عليه السلام»: إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَضَلَّ بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةَ مَاخُودَةَ وَ أَحْيَا بِدْعَةَ مَثْرُوكَةَ

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۲۳۵

ترجمه: بدترین مردم نزد خداوند پیشوای ستمگری است که هم خود گمراه است و هم دیگران بواسطه او گمراه می شوند زیرا که سنت پسندیده را از بین می برد و بدعت مرده را زنده می کند.

- امام جائر عنوان نخبه منفی در روایات

ویژگی های نخبه در روایات

قال الصادق «عليه السلام»: الْعَاقِلُ مَنْ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا [المشوره] عِلْمًا جَدِيدًا وَيَسْتَدِلُّ بِهِ عَلَى الْمَحْصُولِ مِنَ الْمُرَادِ

بحار الانوار ج ۷۲ ص ۱۰۳

ترجمه: عاقل کسی است بواسطه مشورت و دانش تازه ای بدست می آورد و به سوی مقصود خویش هدایت می شود.
- تولید علم (بوسیله مشورت با نخبگان)

قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ فَنَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهْرِ الْجَاهِلِ وَإِقَامَةُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُحُوصِ الْجَاهِلِ وَلَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَيَكُونَ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أُمَّتِهِ

کتاب الوافی ج ۱ ص ۸۵

ترجمه: رسول خدا فرمودند: بهترین چیزی که خداوند به بندگان خود بخشیده عقل است به همین جهت خواب انسان عاقل از بیداری انسان جاهل برتر است و در خانه ماندن عاقل بهتر از سفر انسان جاهل است و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه ابتدا عقل او را کامل کرد و عقل آن پیامبر برتر از همه عقلهای امت او بوده است.

قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلِسَانِهِ فَإِنْ مَنْ حَسَبَ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْنِيهِ

خصال ج ۲ ص ۵۲۵

ترجمه: انسان عاقل باید نسبت به زمان خود بصیرت داشته باشد و به خویشتن پردازد و زبان خویش را حفظ کند زیرا کسی که کلامش را بخشی از کردار خویش حساب کند گفتارش کم می شود مگر در آنچه که باری او سودمند است.
قال الصادق «عليه السلام»: الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ وَالْعَاقِلُ غَفُورٌ وَالْجَاهِلُ خَتُورٌ....

بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۶۹

ترجمه: کسی که نسبت به زمان خود آگاه باشد گرفتار شبهات و مبهمات نمی گردد و انسان عاقل بخشنده و انسان جاهل حيله گر است.

- زمان شناسی

- بصیرت داشتن

- شناخت موقعیت خویش

- روش برخورد با دیگران

قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: فَإِنَّ اللَّيْبَ الْعَاقِلَ مَنْ تَجَرَّعَ عَلَى الْغُصَّةِ حَتَّى يَنَالَ الْفُرْصَةَ

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ص ۱۲۲

ترجمه: انسان عاقل کسی است که سختی ها را تحمل می کند تا فرصتهای مناسب را بدست آورد.

- تحمل مشکلات

- استفاده از موقعیت

قال علي «عليه السلام»: لسان العاقل وراء قلبه

وسائل الشيعة ج ۱۵ ص ۲۸۱

ترجمه: زبان عاقل در پس قلب اوست .

- گفتار با تدبر

عن الصادق «عليه السلام»: قَالَ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ... فَإِنَّ الْعَاقِلَ إِذَا أَبْصَرَ بِعَيْنَيْهِ شَيْئًا عَرَفَ الْحَقَّ مِنْهُ وَ...

محاسن برقی ج ۲ ص ۳۷۵

ترجمه: امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمودند: لقمان به پسرش گفت: همانا انسان عاقل هنگامی که با چشمانش به چیزی بنگرد حقیقت را از آن چیز می فهمد.

- تجزیه و تحلیل صحیح و واقع بینانه از حوادث و وقایع

- باریک بین بودن نخبه

قال علي «عليه السلام»: أعقل الناس أنظرهم في العواقب

غررالحکم ص ۵۲

ترجمه: عاقلترین مردم عاقبت اندیش ترین آنهاست.

- عاقبت اندیشی و تدبیر امور

قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَوَاصًا مِنْ خَلْقِهِ يَسْكُنُهُمُ الرَّفِيعُ الْأَعْلَى مِنْ جَنَاتِهِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا أَعْقَلَ أَهْلِ الدُّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ كَانُوا أَعْقَلَ أَهْلِ الدُّنْيَا قَالَ كَانَتْ هِمَّتُهُمُ الْمَسَارَعَةُ إِلَى رَبِّهِمْ فِيمَا يَرْضِيهِ فَهَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَرْغَبُوا فِي فَضُولِهَا صَبَرُوا قَلِيلًا فَاسْتَرَا حُوا طَوِيلًا

- بلند همتی (همت عالی)

عن الصادق «عليه السلام»: قَالَ إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا

اصول کافی ج ۱ ص ۱۰۹

ترجمه: براستی اگر عالم به علم خویش عمل نکند پند و اندرز وی از دلها فرو می ریزد همانطور که باران از روی سنگ صاف می لغزد.

- اهل عمل بودن نخبه (شرط تأثیرگذاری در فرهنگ عمومی اجتماع)

قال الصادق «عليه السلام» فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ قَالَ يَعْنِي بِالْعُلَمَاءِ مَنْ صَدَّقَ فِعْلُهُ قَوْلَهُ وَ مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ فِعْلُهُ قَوْلَهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ

اصول کافی ج ۱ ص ۸۷

ترجمه: امام صادق علیه السلام در بیان گفتار خداوند متعال که فرمود: « فقط علماء نسبت به خداوند ترس و خشیت دارند» می فرماید: منظور از عالمان کسانی هستند که کردار آنها مطابق گفتارشان است و کسانی که و گفتارشان یکسان نباشد عالم نیستند.

- هماهنگی فعل و قول

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ «عليه السلام»: أَنَّهُ قَالَ يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ اللَّيْبَ مَنْ تَرَكَ مَا لَا طَاقَةَ لَهُ بِهِ

تحف العقول ص ۳۱۹

ترجمه: امام کاظم علیه السلام فرمودند: انسان عاقل خردمند کسی است که اگر توان انجام کاری را ندارد آنرا رها می کند.

- قبول کار در حد توان

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»: من تولى من أمر المسلمين شيئا فاستعمل عليهم رجلا وهو يعلم أن فيهم من هو أولى بذلك وأعلم بكتاب الله وسنة رسوله فقد خان الله ورسوله وجميع المؤمنين.

مناقب آل ابی طالب ج ۱ ص ۲۲۱

ترجمه: کسی که مسئولیتی از امور مسلمین را بپذیرد و کسی را بر مردم بگمارد درحالیکه می داند فرد دیگری هست که به این کار سزاوارتر است و کتاب خدا و سنت رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» را می شناسد، به خدا و رسول خدا «صلى الله عليه وآله وسلم» و مؤمنین خیانت کرده است.

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»: الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّتْهُ التَّجَارِبُ وَفِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ وَفِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ الرَّجَالِ
الْيَوْمَ تَهْتِكُ لَكَ عَنِ السَّرَائِرِ الْكَامِنَةَ

من لايحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۸۸

ترجمه: خردمند کسی است که از تجربه ها پند می گیرد زیرا در هر تجربه ای دانشی جدید وجود دارد و در تغییر حالات است که گوهر وجود هر شخص شناخته می شود زیرا که گذشت ایام رازهای مخفی هر کس را فاش می کند.

- استفاده از تجارب دیگران
- شناخت نیازمند به گذشت زمان است

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»: إِنَّ خَيْرَكُمْ أَوْلُو النَّهْيِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَوْلُو النَّهْيِ قَالَ هُمْ أَوْلُو الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ وَالْأَحْلَامِ
الرَّزِينَةِ وَصَلَةُ الْأَرْحَامِ وَالْبِرْرَةُ بِالْأُمَّهَاتِ وَالْآبَاءِ وَالْمُتَعَاهِدِينَ لِلْفُقَرَاءِ وَالْجِيرَانَ وَالْيَتَامَى وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ وَيُقْسُونَ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ
وَيُصَلُّونَ وَالنَّاسُ نِيَامٌ غَافِلُونَ

ترجمه: ترجمه: امام باقر علیه السلام فرمودند: بهترین شما خردمندانند، عرض شد یا رسول الله آنها چه کسانی هستند؟ فرمودند: آنها صاحبان اخلاق نیکو و بردبار و متین و اهل صله رحم و نیکوکاری نسبت به پدر و مادر خویش و اهل رسیدگی به فقیران و همسایگان و یتیمان می باشند.

- حسن خلق
- طبع بلند(بردبار)
- دلسوز دیگران(فقراء و همسایگان)

قَالَ عَ لَا يُلْسَعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ
- تجربه از شکست و عدم تکرار آن

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ طَالِبًا لِثَلَاثِ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ (دنيا) أَوْ تَزَوُّدٍ لِمَعَادٍ (آخرت) أَوْ تَلَذُّذٍ فِي
غَيْرِ مُحَرَّمٍ (تفريح سالم)

خصال ج ۲ ص ۵۲۵

ترجمه: بر انسان عاقل لازم است که جوایای سه چیز باشد: اصلاح زندگی، توشه گیری برای قیامت، و لذت بردن از غیر حرام .

- برنامه ریزی
- نظم در امور (هرکاری سر جای خودش باشد)

رُوي أَنَّهُ مَكْتُوبٌ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَغْفُلَ عَنْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ فِيهَا يُتَجَبَّرُ بِرَبِّهِ وَ سَاعَةٌ فِيهَا يُحَاسَبُ نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يُفْضَى إِلَى إِخْوَانِهِ الَّذِينَ يَصْدُقُونَهُ عَنْ عُيُوبِ نَفْسِهِ وَ سَاعَةٌ يُحَلَّى بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يُحْمَدُ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لَتَلَكَّ السَّاعَاتِ .

بحار الانوار ج ۱۴ ص ۴۱

ترجمه: بر انسان عاقل لازم است که از چها ساعت غفلت نوزد: ساعتی که در آن با پروردگار خویش مناجات می کند ، ساعتی که در آن نفس خویش را حساب می کند و ساعتی که با دوستان می گذرانند که عیبهای خود را به واسطه آنها برطرف می کند و ساعتی برای خویش قرار دهد که در آن از لذتهای حلال و نیکو استفاده نمایند زیرا که این ساعت یاری کننده انسان برای ساعات دیگر می باشد.

- برنامه ریزی
- نظم در زندگی

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ الَّذِي لَا يَشْغَلُ الْحَلَالَ شُكْرَهُ وَ لَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَهُ

اصول کافی ج ۱ ص ۳۶

ترجمه: امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیث هشام فرمودند: یا هشام انسان عاقل کسی است که پرداختن به حلال او را از سپاسگزاری خدا باز نمی دارد و حرام بر صبر او غلبه پیدا نمی کنند.

- امتیازات او را ناسپاس نمی کند و محرومیتها او را ناامید نمی سازد
- عاقل صبور است

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: كَانَ يَقُولُ: إِنَّ مِنْ عَلَامَةِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ يُجِيبُ إِذَا سُئِلَ وَ يَنْطِقُ إِذَا عَجَزَ الْقَوْمُ عَنْ الْكَلَامِ وَ يُشِيرُ بِالرَّأْيِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحٌ أَهْلَهُ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ شَيْءٌ فَهُوَ أَحْمَقُ

اصول کافی ج ۱ ص ۳۶

ترجمه: از نشانه های انسان خردمند این است که در او سه ویژگی باشد: زمانی که از او سؤال کنند جواب می دهد، زمانی که دیگران از سخن گفتن ناتوان شدند سخن می گوید، در هنگام مشورت نظری را می گوید که در آن خیر و صلاح اهلش باشد و کسی که این ویژگی ها را ندارد احمق است.

- نخبه زمانی صحبت می کند که دیگران حرفی برای گفتن ندارند
- نظرانی می دهد که در آن صلاح مردم است

قال علي «عليه السلام»: الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ عَاقِلٌ وَ أَحْمَقُ وَ فَاجِرٌ فَالْعَاقِلُ إِن كَلَّمَ أَجَابَ وَ إِن نَطَقَ أَصَابَ وَ إِن سَمِعَ وَعَى ...

خصال ج ۱ ص ۱۳۰

ترجمه: مردم سه دسته اند: عاقل، نادان و بدکار؛ انسان عاقل کسی است که اگر سخنی از او پرسند پاسخ می دهد و اگر سخن بگوید، سخن صواب می گوید و اگر گوش فرا دهد به خاطر می سپارد

- به موقع موضع گرفتن

قال علي «عليه السلام» فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ: اسْتَدِلَّ عَلَيَّ مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ وَ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَغْتَ فِي إِيْلَامِهِ فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ ...

بحار الانوار ج ۶۸ ص ۳۲۸

ترجمه: از آنچه گذشت درباره آنچه نیامده راهنمایی بخواه زیرا امور به یکدیگر شباهت دارند، از کسانی نباش که پند و اندرز فقط وقتی به حالشان سودمند است که او را سخت سرزنش کنی، چرا که عاقل از ادب پند می پذیرد.

- پند پذیری نخبه

قال علي «عليه السلام»: مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيِّنٌ مَسُّهَا وَ السَّمُّ النَّافِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْغَرُّ الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۴۸۹

ترجمه: دنیا مانند مار است که بدنی لطیف دارد ولی در درونش سمی کشنده است و نادان فریب خورده به آن تمایل دارد ولی عاقل خردمند از آن پرهیز می کند.

- بصیرت در دنیا شناسی

- دنیا گریزی

غرر الحکم ص ۵۲

قال علي «عليه السلام»: أَعْقِلُ النَّاسِ مَنْ أَطَاعَ الْعَقْلَا

ترجمه: عاقلترین مردم کسی است که از عاقلان اطاعت کند.

- اطاعت از بالاتر (ما فوق)

- طبقه بندی نخبگان

مَا الْعَاقِلُ إِلَّا مَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ وَعَمِلَ لِلدَّارِ الْآخِرَةِ

- آینده نگر بودن نخبه

قال علی «علیه السلام»: لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينَ ...

بحار الانوار ج ۷۵ ص ۶

ترجمه: عاقل کسی نیست که بتواند خیر را از شر تشخیص دهد بلکه کسی است که بتواند بفهمد از میان دو شر کدام بهتر است .

- قدرت دفع ضرر

- دفع افسد به فاسد

- مصلحت بینی

- قدرت تشخیص صحیح در مسائل مختلف و پیچیده

قال علی «علیه السلام»: قِيلَ لَهُ؛ صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ فَقَالَ هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ قِيلَ لَهُ فَصِفْ لَنَا الْجَاهِلَ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۵۱۰

ترجمه: به محضر حضرت مولا عرض شد: انسان عاقل را برای ما توصیف کنید. ایشان در پاسخ فرمودند: عاقل کسی است که هر

چیزی را در جایگاههای خودش قرار دهد ...

- عاقل کسی است که جایگاه شناس باشد

قال علی «علیه السلام»: العاقل من اتهم رأيه و لم يثق بما سولته له نفسه

غررالحکم ص ۵۵

ترجمه: خردمند کسی است که بر رأی خود کاملاً تکیه نمی کند و به هر چیزی که نفسش برای او زینت می کند

اعتماد نمی کند .

- پرهیز از خودرأیی و توجه به نظر دیگران

قال علی «علیه السلام»: الْعَامِلُ بغيرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غيرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بَعْدَهُ عَنِ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَالْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ

عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۲۱۶

ترجمه: کسی که بدون علم عمل می کند مانند کسی است که به بیراهه می رود پس هرچه بیشتر می رود از مقصود خویش دورتر می شود و کسی که با علم عمل می کند مانند کسی است که در راه روشن قدم گذاشته است .

- هدفمندی

- برنامه ریزی صحیح و جامع

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ «عَلِيهِ السَّلَامُ»: الْعَاقِلُ مَنْ رَفَضَ الْبَاطِلَ

بحار الانوار ج ۱ ص ۱۵۹

ترجمه: عاقل کسی است که باطل را رها کرده است .

- حق محوری و مبارزه با باطل گرایی

قال علي «عليه السلام»: العاقل لا يتكلم إلا بحاجته أو حجته [و لا يشتغل إلا بصلاح آخرته]

غررالحکم ص ۵۴

ترجمه: عاقل فقط به اندازه نیاز و یا به اندازه دلیلش سخن می گوید و فقط به کاری مشغول می شود که به صلاح آخرتش باشد.

- به جا و به موقع حرف زدن

قال علي «عليه السلام»: من صفة العاقل ألا يتحدث بما يستطاع تكذيبه فيه

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۲۸۹

ترجمه: از ویژگی های عاقل این است که سخنی نمی گوید که کسی بتواند او را تکذیب کند.

- محکم و با پشتوانه سخن گفتن

قال علي «عليه السلام»: الْعَاقِلُ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ اتَّبَعَهَا حِكْمَةٌ وَمَثَلًا وَالْأَلْحَمَقُ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ اتَّبَعَهَا حُلْفًا

همان

ترجمه: انسان عاقل هرگاه سخن می گوید سخن خویش را با حکمت و تمثیل همراه می کند و انسان احمق هرگاه سخن می گوید

آن را با قسم همراه می کند.

- دقیق سخن گفتن

- عالمانه حرف زدن

قال الكاظم «عليه السلام»: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يُحَدِّثُ مَنْ يَخَافُ تَكْذِيبَهُ وَلَا يَسْأَلُ مَنْ يَخَافُ مَنَعَهُ وَلَا يَعِدُ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَرْجُو مَا يُعْنَفُ بِرَجَائِهِ وَلَا يَتَقَدَّمُ عَلَى مَا يَخَافُ الْعَجْزَ عَنْهُ

اصول کافی ج ۱ ص ۴۱

ترجمه: ای هشام عاقل هیچگاه با کسی که بترسد آنرا تکذیب کند سخن نمی گوید و از کسی که نگرانی مضایقه دارد چیزی طلب نمی کند و به چیزی که توان انجام آنرا ندارد وعده نمی دهد و به چیزی که مایه سرزنش است امید ندارد و به کاری که می ترسد در آن بماند اقدام نمی کند.

- وعده بیجا (بالا تر از توان خودش) نمی دهد
- کاری که امید به انجام آن ندارد دست به کار نمی شود

قال علی «عليه السلام»: أَعْقَلَ الْمَلُوكِ مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ لِلرَّعِيَّةِ بِمَا يَسْقُطُ عَنْهُ حُجَّتُهَا وَ سَاسَ الرَّعِيَّةَ بِمَا تَثْبُتُ بِهِ حُجَّتُهُ عَلَيْهَا

غررالحکم ص

ترجمه: عاقل ترین ملوک کسی است که موقعیت خود را در بین مردم به گونه ای تدبیر کند که کسی بر او حجتی نداشته باشد و امور مردم را به گونه ای تدبیر کند که همیشه حجت بر مردم داشته است.

- ویژگی های یک نخبه سیاسی
- تدبیر - روش برخورد با زیردست

اصول کافی ج ۱ ص ۳۴

قال الكاظم «عليه السلام»: إِنَّ الْكَيْسَ لَدَى الْحَقِّ يَسِيرٌ

ترجمه: همانا انسان زیرک در برابر حق رام و هموار است.

غررالحکم ص ۶۸

قال علی «عليه السلام»: الْكَيْسُ صَدِيقَةُ الْحَقِّ وَ عَدُوُّهُ الْبَاطِلُ

ترجمه: دوست انسان زیرک حق است و دشمن او باطل است.

قال الكاظم «عليه السلام»: يَا هِشَامُ إِنَّ لِقَمَانَ قَالَ لِابْنِهِ تَوَاضَعْ لِلْحَقِّ تَكُنْ أَعْقَلَ النَّاسِ

اصول کافی ج ۱ ص ۳۴

ترجمه: ای هشام همانا لقمان به فرزندش گفت: در مقابل حق فروتنی کن تا عاقل ترین مردم باشی.

- حق پذیری نخبه

غررالحکم ص ۳۱۱

قال علی «عليه السلام»: الْكَيْسُ مَنْ قَصَرَ آمَالَهُ

ترجمه: انسان زیرک کسی است که آرزوهای کوتاه دارد.

۲۲- قال علی «علیه السلام»: الکیس أصله عقله و مروءته خلقه و دینه حسبه

غررالحکم ص ۳۲۲

ترجمه: انسان زیرک اصل او عقل اوست و مردانگی او اخلاق اوست و دین او حسب اوست.

- اصل در کارهای نخبه بر اساس عقل است

قال علی «علیه السلام»: الکیس من کان یومه خیرا من أمسه و عقل الذم عن نفسه

همان

ترجمه: انسان زیرک کسی است که امروزش بهتر از روز گذشته اش باشد و راه مذمت دیگران را بر خود ببندد.

- همیشه رو به تعالی حرکت می کند و عدم رضایت به وضعیت فعلی خودش دارد

قال علی «علیه السلام»: إنما الکیس من إذا أساء استغفر و إذا أذنب ندم

همان

ترجمه: همانا انسان زیرک کسی است که هرگاه خطا می کند استغفار نماید و هرگاه گناه می کند پشیمان شود.

- پذیرش اشتباه و خطا

- اظهار ندامت در قبال خطا

قال علی «علیه السلام»: أعقل الناس أَعذرهم للناس

غررالحکم

ترجمه: عاقل ترین مردم کسی است که بیشتر از همه عذر مردم را می پذیرد.

- عذر پذیر

قال رسول الله «صلی الله علیه وآله»: أَلَا وَإِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَاطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ وَ عَرَفَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَأَصْلَحَهَا وَ عَرَفَ سُرْعَةَ رَحِيلِهِ فَتَزَوَّدَ لَهَا

بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۷۹

ترجمه: آگاه باشید که عاقل ترین مردم بنده ایست که خدای خویش را بشناسد و از او اطاعت کند و دشمنش را بشناسد و با او

مخالفت کند و جایگاه خویش را بشناسد و آنرا اصلاح کند و سرعت مرگ را بداند و برای آن توشه بگیرد.

- شناخت جایگاه

- دشمن شناسی

- آینده نگری

قال علي «عليه السلام»: أَعْقِلِ النَّاسَ مِنْ كَانَ بَعِيْبَهُ بِصِيْرًا وَ عَنِ عَيْبٍ غَيْرِهِ ضَرِيْرًا

غررالحكم ص ۵۲

ترجمه: عاقل ترین مردم کسی است که نسبت به عیب خویش بی‌نا باشد و عیب دیگران را نادیده می‌گیرد.

- خودسازی

- پی بردن به نقاط ضعف خویش

- چشم پوشی از عیوب دیگران

قال علي «عليه السلام»: أَعْقِلِ النَّاسَ مِنْ غَلَبَ جَدَهُ هَزَلَهُ وَ اسْتَظْهَرَ عَلِيَّ هَوَاهُ بِعَقْلِهِ

غررالحكم ص ۵۲

ترجمه: عاقل ترین مردم کسی است که جدیت او بر شوخ بودنش غلبه کند و با عقلش بر خواهش های نفسش او چیره می‌گردد.

- جدیت در کار

قال علي «عليه السلام»: أَعْقِلِ النَّاسَ مِنْ ذَلَّ لِلْحَقِّ فَأَعْطَاهُ مِنْ نَفْسِهِ وَ عَزَّ بِالْحَقِّ فَلَمْ يَهِنْ إِقَامَتَهُ [عَنِ إِقَامَتِهِ] وَ حَسَنَ الْعَمَلِ بِهِ

همان

خردمندترین مردم کسی است که در برابر حق تسلیم گردد، و از مقاومت خویش در برابر آن بگذرد، و به وسیله حق عزیز گردد، و اقامه حق و بر پا داشتن آن و نیکو انجام دادن آن را سبک نشمارد.

- حق پذیری نخبه

قَالَ الصَّادِقُ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: الْعَاقِلُ مَنْ كَانَ ذَلُولًا عِنْدَ إِجَابَةِ الْحَقِّ مُنْصَفًا بِقَوْلِهِ جَمُوحًا عِنْدَ الْبَاطِلِ خَصْمًا بِقَوْلِهِ يَتْرُكُ دُنْيَاهُ وَ لَا يَتْرُكُ دِينَهُ وَ دَلِيلُ الْعَقْلِ شَيْئَانِ صِدْقُ الْقَوْلِ وَ صَوَابُ الْفِعْلِ

مصباح الشريعة ص ۱۰۳

ترجمه: عاقل کسی است که نسبت به پذیرش حق رام و هموار باشد و در برابر سخن حق منصف باشد و در مقابل باطل سرکش باشد و سخن باطل را دشمن شمارد دنیایش را ترک می‌کند ولی دینش را رها نمی‌کند و نشان عقل دو چیز است: راستی گفتار و درستی کردار.

- حق پذیری نخبه

- وجدان کاری

قال أمير المؤمنين «عليه السلام»: العاقل يعمل بالدرایات و الجاهل يعمل بالروایات

اعلام الدین ص ۸۷

ترجمه: عاقل از روی فهم عمل می‌کند و جاهل از روی شنیده ها عمل می‌کند.

قال علی «علیه السلام»: همه العاقل الدراية و همه الجاهل الرواية

اعلام الدین ص ۸۷

ترجمه: تلاش عاقل در فهم عمیق است ولی تلاش نادان در شنیده ها است .

- تجزیه و تحلیل کردن مطالب و وقایع

- عدم پیروی کورکورانه از اقوال و جریانات

- تعمق و دقت (درایت) در امور

قال علی «علیه السلام»: العاقل من تورع عن الذنوب و تنزه عن العيوب

غررالحکم ص ۵۴

ترجمه: عاقل کسی است که از گناهان پرهیزد و از عیبها دوری کند .

- ظاهر الصلاح بودن

عَنْ النَّبِيِّ «صلى الله عليه وآله وسلم»: الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَجُلٌ عَالِمٌ آخَذَ بِلَعْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ وَ عَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ وَ إِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذُونَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ

اصول کافی ج ۱ ص ۱۰۸

ترجمه: دانشمندان دو دسته هستند ۱- دانشمندی که به علم خویش عمل میکنند پس اهل نجات می شوند ۲- دانشمندی که به علم خویش عمل نمی کنند پس هلاک می شوند و همانا اهل جهنم از بوی بد دانشمندی که به علم خویش عمل نکنند اذیت می شوند.

- ضرورت همراهی علم و عمل در نخبگان

رُويَ عَنْ النَّبِيِّ «صلى الله عليه وآله وسلم»: أَنَّهُ قَالَ الْفُقَهَاءُ أُمَّاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا دُخُولُهُمْ فِي الدُّنْيَا قَالَ اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ

اصول کافی ج ۱ ص ۱۴۴

ترجمه: فقها تا زمانی که داخل در دنیا نشده باشند امینان پیامبران می باشند. عرض شد: یا رسول الله منظور از داخل شدن آنها در دنیا چیست؟ فرمودند: تبعیت کردن از پادشاهان پس هرگاه فقیهان چنین کاری کردند در دینتان از آنها پرهیزید.

- حریت و وارستگی نخبگان

قال الصادق «علیه السلام» قال عيسى ابن مريم «علیه السلام»: أَسْقَى النَّاسَ مَنْ هُوَ مَعْرُوفٌ عِنْدَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ مَجْهُولٌ بِعَمَلِهِ

عده الداعی ص ۷۸

ترجمه: بدبخت ترین مردم کسی است که مردم علمش را ببینند اما عمل او را نبینند.

- **ضرورت عمل نخبه به علمش**

أَنَّ عَلِيًّا «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ إِيَّاكُمْ وَالْجُهَّالَ مِنَ الْمُتَعَبِّدِينَ وَالْفُجَّارَ مِنَ الْعُلَمَاءِ فَإِنَّهُمْ فَتَنَةُ كُلِّ مَفْتُونٍ

قرب الاسناد ص ۷۰

ترجمه: از عابدان جاهل و عالمان فاجر و بدکار پرهیزید زیرا که آنها سبب فتنه دیگران هستند.

- **ضرورت همراهی علم و تهذیب**

خیرکم من جعل کل همه للآخرة و کل سعيه لها خیرکم من رضی بالفقر خیرکم من انفرد عن الناس و أحرز ورعه و دینه خیرکم من أعانه الله علی نفسه فملکها خیرکم من عرف سرعته رحلته فتزود لها خیرکم من ذکرکم بالله رؤيته خیرکم من زادکم فی علمکم منطقه خیرکم من دعاکم إلى فعل الخیر خیرکم من یرضی بالفقر حرفة و أعرض عن الدنيا نراهه و عفة خیرکم المبرأ من العیوب خیرکم الممتزھون عن المعاصی و الذنوب خیر أعمالکم ما أصلحتم به المعاد خیر العمل أدومه و إن قل خیر الإخوان المساعدا علی أعمال الآخرة خیر أمتی أزھدھم فی الدنيا و أرغبھم فی الآخرة خیر إخوانکم من أھدی إلیکم عیوبکم خیر الاستغفار عند الله الإقلاع و الندم خیر عباد الله الذین یراعون الشمس و القمر لعبادة الله خیر إخوانک من أعانک علی طاعة الله و صدک عن معاصیه و أمرک برضاه خیر أمتی فیما نبأنی المملأ الأعلى قوم یستبشرون جھرا من سعته رحمة ربھم و یبکون سرا من أليم عقوبته خیر المسلمین من کثرت قناعته و حسنت عبادته و کان همه لآخرته خیر مال المسلم غنم یتبع بها شعب الجبال و مواقع القطر یفر بدینه من الفتن خیر الأصحاب من قل شقاقه و کثر وفاقه خیر أمتی من ھدم شبابه فی طاعة الله و فطم نفسه عن لذات الدنيا و توله بالآخرة إن جزاءه علی الله أعلى مراتب الجنة خیر العباد عند الله أكثرھم توکلا علیہ و تسلیمایہ خیر أمتی الذین لم یوسع علیھم حتی یبطروا و لم یضیق علیھم حتی یسألوا خیر أمتی من إذا سفھ علیھم احتملوا و إذا جنی علیھم غفروا و إذا أودوا صبروا

- **گفتار او موجب ازدیاد علم گردد**

- **بهترین کارها کار مداوم است اگرچه کم باشد**

- **انتقادهای دوستانه باشد**

کل روایت مربوط به هدف گذاری نخبه مذهبی و معنوی است و تبیین افق بالا برای رسیدن به آن است

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ بِعَاقِلٍ مَنْ أَنْزَعَ مِنْ قَوْلِ الزُّورِ فِيهِ وَ لَأَ بِحَكِيمٍ مَنْ رَضِيَ بِنِثَاءِ الْجَاهِلِ عَلَيْهِ النَّاسُ أَبْنَاءُ مَا يُحْسِنُونَ وَ قَدَرُ كُلِّ أَمْرٍ مَا يُحْسِنُ فَتَكَلَّمُوا فِي الْعِلْمِ تَبَيَّنَ أَقْدَارُكُمْ

اختصاص مفید ص ۲

ترجمه: ای مردم کسی که از سخن ناحق درباره خود دلگیر شود عاقل نیست و کسی که از ستایش نادان خرسند شود حکیم و فرزانه نیست. مردم فرزندان کارهای نیکویی هستند که انجام می دهند و ارزش هرکسی به آن چیزی است که آن را نیکو می داند پس عالمانه سخن بگویید تا ارزش شما آشکار شود.

قال الصادق «عليه السلام»: ... لَأُيَعَدُّ الْعَاقِلُ عَاقِلًا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ ثَلَاثًا: إِعْطَاءَ الْحَقِّ مِنْ نَفْسِهِ عَلَى حَالِ الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَأَنْ يَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَاسْتِعْمَالَ الْحِلْمِ عِنْدَ الْعَثْرَةِ ...

تحف العقول ص ۳۱۸

ترجمه: عاقل را نمی توان عاقل به شمار آورد مگر اینکه در سه چیز کامل شود از جانب خویش حق را به دیگران بدهد چه در حال خوشنودی و چه در حال خشم، هر آنچه که برای خویش می پسندد برای دیگران هم پسندد و هنگام لغزش دیگران بردبار باشد.

- حق پذیری دائمی

- یگانگی و انصاف با جامعه

- قدرت تحمل مشکلات

قال علي «عليه السلام»: رَدْعُ النَّفْسِ عَنِ تَسْوِيلِ الْهَوَى شِيْمَةُ الْعُقَلَاءِ

مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۱۴

ترجمه: خویشتن داری از فریب خواهش های نفس مسلک عاقلان است.

- پرهیز از اشتغال به امور بیهوده و پست

قال علي «عليه السلام»: مَنْ سَمَا إِلَى الرَّئِيسَةِ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ السِّيَاسَةِ

غررالحکم ص ۳۳۱

ترجمه: کسی که به سمت ریاست می رود باید در سختی های سیاست صبور باشد.

- لزوم صبر و بردباری در مدیریت سیاسی نخبگان

قال رسول الله «صلى الله عليه وآله وسلم»: أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ

مشکاه الانوار ص ۲۱۸

ترجمه: عاقل ترین مردم کسانی هستند که با مردم بیشتر مدارا می کنند.

- مردم داری

قال علي «عليه السلام»: هَمَةُ الْعَاقِلِ تَرْكُ الذُّنُوبِ وَإِصْلَاحُ الْعُيُوبِ

کنز الفوائد ج ۱ ص

۲۰۰

ترجمه: همت خردمند ترک گناه ها و اصلاح عیب هاست .

- تلاش در رفع عیوب

عَنْ النَّبِيِّ «صلى الله عليه وآله وسلم» قَالَ رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ

عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۳۵/مجموعه ورام ج ۱ ص ۸۷

ترجمه: سرلوحه عقل بعد از ایمان به خدا دوستی کردن با مردم است .

- مردمی بودن

- مدارا با مردم (مردم داری)

قَالَ الصَّادِقُ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: الْعَاقِلُ لَا يَسْتَخْفُ بِأَحَدٍ وَ أَحَقُّ مَنْ لَا يُسْتَخَفُ بِهِ ثَلَاثَةٌ الْعُلَمَاءُ وَ السُّلْطَانُ وَ الْإِخْوَانُ لِأَنَّهُ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْعُلَمَاءِ أَفْسَدَ دِينَهُ وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالسُّلْطَانِ أَفْسَدَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْإِخْوَانِ أَفْسَدَ مَرْوَتَهُ ..

بحار الانوار ج ۷۵ ص ۳۳۳

ترجمه: انسان عاقل هیچ کسی را خوار نمی کند و شایسته ترین افرادی که نباید آنها را خوار نمود سه دسته اند: عالمان ، حاکمان ، برادران. زیرا هرکس عالم را خوار کند دین خویش را فاسد کرده و هرکس حاکم را خوار کند دنیای خویش را تباه کرده و هرکس برادرانش را خوار کند مردانگی اش را تباه نموده است .

قَالَ الصَّادِقُ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: الْغَضَبُ مَمْحَقَةٌ لِقَلْبِ الْحَكِيمِ وَ مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ .

تحف العقول ص ۳۷۱

ترجمه: خشم مایه تباهی دل انسان حکیم است و هرکس که اختیار خشمش را ندارد اختیار عقلش را نیز ندارد.

قَالَ الصَّادِقُ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: فِي الْمَشَاوِرَةِ اِكْتِسَابُ الْعِلْمِ وَ الْعَاقِلُ مَنْ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا عِلْمًا جَدِيدًا وَ يَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى الْمَحْصُولِ مِنَ الْمُرَادِ

ترجمه: عاقل کسی است بواسطه مشورت و دانش ، تازه ای بدست می آورد و به سوی مقصود خویش هدایت می شود.

- استفاده از مشورت دیگران

غررالحکم ص ۵۲

قال علی «علیه السلام»: أَعْقِلِ النَّاسَ مِنْ أَطَاعِ الْعَقْلَا

ترجمه: عاقلترین مردم کسی است که از عاقلان اطاعت کند.

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ «علیه السلام»: كَانَ يَقُولُ: إِنَّ مِنْ عَلَامَةِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ يُجِيبُ إِذَا سُئِلَ وَ يَنْطِقُ إِذَا عَجَزَ الْقَوْمُ عَنِ الْكَلَامِ وَيُشِيرُ بِالرَّأْيِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحٌ أَهْلَهُ فَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ شَيْءٌ فَهُوَ أَحْمَقُّ

اصول کافی ج ۱ ص ۳۶

ترجمه: از نشانه های انسان خردمند این است که در او سه ویژگی باشد: زمانی که از او سؤال کنند جواب می دهد، زمانی که دیگران از سخن گفتن ناتوان شدند سخن می گوید، در هنگام مشورت نظری را می گوید که در آن خیر و صلاح اهلش باشد و کسی که این ویژگی ها را ندارد احمق است.

- نخبه زمانی صحبت می کند که دیگران حرفی برای گفتن ندارند

- نظراتی می دهد که در آن صلاح مردم است

قال علی «علیه السلام»: الرَّجَالُ ثَلَاثَةٌ عَاقِلٌ وَ أَحْمَقٌ وَ فَاجِرٌ فَالْعَاقِلُ إِنْ كَلَّمَ أَجَابَ وَ إِنْ نَطَقَ أَصَابَ وَ إِنْ سَمِعَ وَعَى ...

خصال ج ۱ ص ۱۳۰ ترجمه: مردم سه دسته اند: عاقل،

نادان و بدکار؛ انسان عاقل کسی است که اگر سخنی از او پرسند پاسخ می دهد و اگر سخن بگوید، سخن صواب می گوید و اگر گوش فرا دهد به خاطر می سپارد

- به موقع موضع گرفتن

قال علی «علیه السلام»: الْعَاقِلُ مَنْ اتَّهَمَ رَأْيَهُ وَ لَمْ يَثِقْ بِمَا سَوَّلَتْهُ لَهُ نَفْسُهُ

غررالحکم ص ۵۵

ترجمه: خردمند کسی است که بر رأی خود کاملاً تکیه نمی کند و به هر چیزی که نفسش برای او زینت می کند اعتماد نمی کند.

- پرهیز از خودرأیی و توجه به نظر دیگران

قال علی «علیه السلام»: الْعَامِلُ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بَعْدَهُ عَنِ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَ الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۲۱۶

ترجمه: کسی که بدون علم عمل می کند مانند کسی است که به بیراهه می رود پس هرچه بیشتر می رود از مقصود خویش دورتر می شود و کسی که با علم عمل می کند مانند کسی است که در راه روشن قدم گذاشته است .

- هدفمندی

- برنامه ریزی صحیح و جامع

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: الْعَاقِلُ مَنْ رَفَضَ الْبَاطِلَ

بحار الانوار ج ۱ ص ۱۵۹

ترجمه: عاقل کسی است که باطل را رها کرده است .

- حق محوری و مبارزه با باطل گرایی

قال علي «عليه السلام»: العاقل لا يتكلم إلا بحاجته أو حجته [و لا يشتغل إلا بصلاح آخرته]

غررالحکم ص ۵۴

ترجمه: عاقل فقط به اندازه نیاز و یا به اندازه دلیلش سخن می گوید و فقط به کاری مشغول می شود که به صلاح آخرتش باشد.

- به جا و به موقع حرف زدن

قال الكاظم «عليه السلام»: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يُحَدِّثُ مَنْ يَخَافُ تَكْذِيبَهُ وَلَا يَسْأَلُ مَنْ يَخَافُ مَنَعَهُ وَلَا يَعِدُ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَرْجُو مَا يُعْنَفُ بِرَجَائِهِ وَلَا يَتَقَدَّمُ عَلَى مَا يَخَافُ الْعَجْزَ عَنْهُ

اصول کافی ج ۱ ص ۴۱

ترجمه: ای هشام عاقل هیچگاه با کسی که بترسد آنرا تکذیب کند سخن نمی گوید و از کسی که نگرانی مضایقه دارد چیزی طلب نمی کند و به چیزی که توان انجام آنرا ندارد وعده نمی دهد و به چیزی که مایه سرزنش است امید ندارد و به کاری که می ترسد در آن بماند اقدام نمی کند.

- وعده بیجا (بالاتر از توان خودش) نمی دهد

- کاری که امید به انجام آن ندارد دست به کار نمی شود

قال علي «عليه السلام»: إِنَّمَا الْكَيْسُ مَنْ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا أَذْنَبَ نَدِمَ

اصول کافی ج ۱ ص ۴۱

ترجمه: همانا انسان زیرک کسی است که هرگاه خطا می کند استغفار نماید و هرگاه گناه می کند پشیمان شود.

- پذیرش اشتباه و خطا

- اظهار ندامت در قبال خطا

قال علي «عليه السلام»: أَعْقِلِ النَّاسَ أَعْذِرْهُمْ لِلنَّاسِ

غورالحکم

ترجمه: عاقل ترین مردم کسی است که بیشتر از همه عذر مردم را می پذیرد.

- عذر پذیر

قَالَ الصَّادِقُ «عليه السلام»: فِي الْمَشَاوِرَةِ اِكْتِسَابُ الْعِلْمِ وَالْعَاقِلُ مَنْ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا عِلْمًا جَدِيدًا وَيَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى الْمَحْصُولِ مِنَ الْمُرَادِ

ترجمه: عاقل کسی است بواسطه مشورت و دانش، تازه ای بدست می آورد و به سوی مقصود خویش هدایت می شود.

- استفاده از مشورت دیگران

قال أمير المؤمنين «عليه السلام»: العاقل يعمل بالدرایات و الجاهل يعمل بالروایات

اعلام الدین ص ۸۷

ترجمه: عاقل از روی فهم عمل می کند و جاهل از روی شنیده ها عمل می کند.

- درایت در امور برای اصلاح جامعه

قال علي «عليه السلام»: هَمَّةُ الْعَاقِلِ الدَّرَائِيَّةُ وَ هَمَّةُ الْجَاهِلِ الرَّوَائِيَّةُ

اعلام الدین ص ۸۷

ترجمه: تلاش عاقل در فهم عمیق است ولی تلاش نادان در شنیده ها است.

- تجزیه و تحلیل کردن مطالب و وقایع

- عدم پیروی کورکورانه از اقوال و جریانات

- تعمق و دقت

قال علي «عليه السلام»: لَا يَسْتَغْنِي الْعَاقِلُ عَنِ الْمَشَاوِرَةِ

غورالحکم ص ۴۴۱

- مشاوره با دیگران

ترجمه: انسان خردمند از مشورت کردن بی نیاز نیست.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صلى الله عليه وآله وسلم»: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ

امالی مفید ص ۱۲۳

ترجمه: هنگامی که بدعتها در امت من ظاهر شوند بر عالمان لازم است که علم خویش را ظاهر کنند هر که چنین نکند لعنت

خدا بر او باد.

- مبارزه با انحرافات

- تبیین و روشنگری

قال علي «عليه السلام»: يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَأَبَدٌ لِلْعَاقِلِ مَنْ أَنْ يَنْظُرَ فِي شَأْنِهِ فَلْيَحْفَظْ لِسَانَهُ وَ لِيَعْرِفْ أَهْلَ زَمَانِهِ (العالم بزمانه لاتهجم عليه اللوابس)

امالی طوسی ص ۱۴۶

ترجمه : پسر من برای عاقل لازم است که در جایگاه خویش بنگرد و زبانش را حفظ کند و اهل زمانش را بشناسد .

قال علي «عليه السلام»: ليس على العاقل اعتراض المقادير إنما عليه وضع الشيء في حقه

کنزالفوائد ج ۱ ص ۲۰

ترجمه : عاقل نباید از مقدرات شکایت کند بلکه باید هر کاری را بجا و درست انجام دهد.

- ایجاد نظم در امور
- کار را درست و بجا انجام دهد و امور را برعهده تقدیر و ... نگذارد
- نق نزدن و گلایه نکردن از وضع موجود و تلاش برای بهتر کردن اوضاع

قال علي «عليه السلام»: حق على العاقل أن يستديم الاسترشاد و يترك الاستبداد

غررالحکم ص ۵۵

ترجمه : عاقل باید همیشه در طلب راهنمایی باشد و خود رای بودن را رها سازد .

وَ قَالَ عَلِيٌّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيئُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيئِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسَهُ وَ مُؤَدِّبٌهَا أَحَقُّ بِالْإِجْتِهَادِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ.

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۴۸۰

ترجمه : هر کس خود را پیشوای مردم قرار دهد لازم است قبل از دیگران خود را تعلیم دهد و قبل از اینکه دیگران را به گفتار ادب کند باید به کردارش مودب کند و کسی که خود را پیامور و ادب نماید به تعظیم سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را می آموزد و ادب میکند.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: مَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ بِطَلَبِ تَبْيَانِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ بَبَيَانِ الْعِلْمِ لِلْجَهَّالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ قَبْلَ الْجَهْلِ.

بحار الانوار ج ۲ ص ۲۳

ترجمه : خداوند قبل از اینکه از جاهلان پیمان دانش طلبی را بگیرد از اهل علم پیمان علم آموزی گرفته است زیرا که علم قبل از جهل است ..

- مسئولیت نخبگان در آموزش عمومی و بالابردن سطح دانایی مردم و جامعه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَأْخُذْ عَلَى الْجُهَّالِ عَهْدًا بِطَلَبِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ عَهْدًا بِبَدْلِ الْعِلْمِ لِلْجُهَّالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ كَانَ قَبْلَ الْجَهْلِ

اصول کافی ج ۱ ص ۱۰۰

ترجمه : خداوند قبل از اینکه از جاهلان پیمان دانش طلبی را بگیرد از اهل علم پیمان علم آموزی به جاهلان را گرفته است زیرا که علم قبل از جهل است ..

- **تعلیم و تربیت عمومی**

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ: زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ

اصول کافی ج ۱ ص ۱۰۱

ترجمه : زکات دانش این است که آن علم را به بندگان خدا بیاموزی .

- **آموزش عمومی**

قال علي «عليه السلام»: همّة العاقل ترك الذنوب وإصلاح العيوب

کنز الفوائد ج ۱ ص

۲۰۰

ترجمه : همت خردمند ترک گناه ها و اصلاح عیب هاست .

- **تلاش در رفع عیوب**

عَنِ النَّبِيِّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» قَالَ رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ

عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۳۵/مجموعه ورام ج ۱ ص ۸۷

ترجمه : سرلوحه عقل بعد از ایمان به خدا دوستی کردن با مردم است .

- **مردمی بودن**

- **مدارا با مردم (مردم داری)**

سُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» [أَيُّمَا] أَيُّهُمَا أَفْضَلُ الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ فَقَالَ عَ الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۵۵۳

ترجمه: از حضرت علی «علیه السلام» سوال شد: کدام برتر است: عدل یا بخشش؟ حضرت فرمودند: عدل یعنی اینکه امور را در جایگاههای خود قرار دهد و بخشش آنها را از جایگاه خود بیرون می برد، عدل تدبیرکننده عموم است و بخشش سود بخشیدن به عده ای خاص. پس عدالت شریفتر و برتر است.

- نخبه سیاسی و مدیریت جامعه، با عدالت یا سخاوت؟

قال علی «علیه السلام»: حُسْنُ التَّدْبِيرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبْدِيرِ مِنْ حُسْنِ السِّيَاسَةِ

غورالحکم ص ۳۳۱

ترجمه: تدبیر نیکو و دوری از اسراف نشانه نیکویی سیاست است.

- برنامه ریزی و عاقبت اندیشی

- جلوگیری از ریخت و پاش و حیف و میل اموال عمومی

قال علی «علیه السلام»: لَا رِيَاسَةَ كَالْعَدْلِ فِي السِّيَاسَةِ

همان

ترجمه: برترین ریاست، عدالت در اداره امور است

قال علی «علیه السلام»: مَلَائِكُ السِّيَاسَةِ الْعَدْلُ

همان

ترجمه: اصل در سیاست رعایت عدل است

قال علی «علیه السلام»: سِيَاسَةُ الْعَدْلِ ثَلَاثٌ لَيْنٌ فِي حَزْمٍ وَ اسْتِقْصَاءٌ فِي عَدْلٍ وَ اِفْضَالٌ فِي قَصْدٍ

غورالحکم ص ۳۳۹

ترجمه: سیاست عدالت در سه چیز است: نرمی در عین دور اندیشی، دادگری را نهایت رساندن در عین عدالت و احسان در

عین میانه روی.

- عدم سختگیری در تصمیم

قال علی «علیه السلام»: نِعْمَ السِّيَاسَةُ الرَّفْقُ

غورالحکم ص ۳۳۱

ترجمه: چه خوب سیاستی است با دیگران.

قال علی «علیه السلام»: رَأْسُ السِّيَاسَةِ اسْتِعْمَالُ الرَّفْقِ

غورالحکم ص ۳۴۲

ترجمه: سرلوحه سیاست نرمی با دیگران است.

قال علی «علیه السلام» مَنْ حَسُنَتْ سِیَاسَتُهُ دَامَتْ رِیَاسَتُهُ

همان

ترجمه: کسی که مدیریت او نیکو باشد ریاست او دوام دارد.

- حسن سیاست داشتن

قَالَ الْكَاطِمُ «عَلِيهِ السَّلَامُ» مَنْ اسْتَنَّ بِسُنَّةِ حَسَنَةٍ فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَ مَنْ اسْتَنَّ بِسُنَّةِ سَيِّئَةٍ فَعَلَيْهِ وَزْرُهَا وَ وَزْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ

اختصاص مفید ص ۲۵۱

ترجمه: کسی که سنت نیکویی را پایه ریزی کند پس پاداش آن سنت و پاداش هر کس که به آن سنت عمل کرده برای اوست بدون اینکه از اجر و پاداش آنان چیزی کم بشود و کسی که سنت بدی را پایه ریزی کند پس گناه آن سنت و گناه هر کس که به آن سنت عمل می کند بری اوست بدون اینکه از گناه آنان چیزی کم شود.

- ضرورت پاسخگویی

حُسْنُ التَّدْبِيرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبْدِيرِ مِنْ حُسْنِ السِّيَاسَةِ

- مصادیق حسن السیاسه

قال الصادق «علیه السلام»: الْعَاقِلُ لَا يَسْتَخِفُّ بِأَحَدٍ وَ أَحَقُّ مَنْ لَا يَسْتَخِفُّ بِهِ ثَلَاثَةُ الْعُلَمَاءِ وَ السُّلْطَانُ وَ الْإِخْوَانُ لِأَنَّهُ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْعُلَمَاءِ أَفْسَدَ دِينَهُ وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالسُّلْطَانِ أَفْسَدَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْإِخْوَانِ أَفْسَدَ مَرُوتَهُ ..

بحار الانوار ج ۷۵ ص ۳۳۳

ترجمه: انسان عاقل هیچ کسی را خوار نمی کند و شایسته ترین افرادی که نباید آنها را خوار نمود سه دسته اند: عالمان، حاکمان، برادران. زیرا هر کس عالم را خوار کند دین خویش را فاسد کرده و هر کس حاکم را خوار کند دنیای خویش را تباه کرده و هر کس برادرانش را خوار کند مردانگی اش را تباه نموده است.

قَالَ النَّبِيُّ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: إِنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يَهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ فَإِذَا طُمِسَتْ أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهُدَاةُ
بحار الانوار ج ۲ ص ۲۵

ترجمه: علماء در زمین مانند ستارگان آسمان اند که در تاریکی خشکی و دریا راه به وسیله آنها مشخص می شود و هنگامی که نور آنها به خاموشی می گراید ممکن است راه یافتگان گمراه شوند.

قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: إِذَا طَلَبْتُمُ الْحَوَائِجَ فَاطْلُبُوهَا مِنْ أَهْلِهَا قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ أَهْلُهَا قَالَ الَّذِينَ قَصَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَذَكَرَهُمْ فَقَالَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ قَالَ هُمْ أَوْلُو الْعُقُولِ

اصول کافی ج ۱ ص ۴۰

ترجمه: هنگامی که نیازی دارید آن را از اهلیش بخواهید؛ گفته شد: ای پسر رسول خدا چه کسانی اهلیش هستند؟ فرمود: کسانی که خداوند در کتابش آنها را یاد کرده و آنها را اینگونه معرفی نموده است: به درستی که فقط اولوالالباب پند می پذیرند و فرمود اولوالالباب صاحبان عقل می باشند.

قال الحسن العسكري «عليه السلام»: ... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ

وسایل الشیعه ج ۲۷ ص ۱۳۱

ترجمه: ... هر کدام از فقیهان که مراقب نفس خویش باشد و دینش را حفظ کند و با هوای نفس خود مخالفت کند و مطیع امر مولایش باشد بر عوام لازم است که از او تقلید کنند و این شرایط تنها در برخی از فقیهان شیعه می باشد نه همه آنها.

- طلب راهنمایی و هدایت از نخبگان

فِي الزُّبُورِ قُلْ لَأَحْبَابِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَرُهْبَانِهِمْ حَادِثُوا مِنَ النَّاسِ الْأَتَقِيَاءَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهِمْ تَقِيًّا فَحَادِثُوا الْعُلَمَاءَ وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا عَالِمًا فَحَادِثُوا الْعُقَلَاءَ فَإِنَّ التَّقَى وَالْعِلْمَ وَالْعَقْلَ ثَلَاثُ مَرَاتِبَ مَا جَعَلْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ فِي خَلْقِي وَأَنَا أُرِيدُ هَلَاكَهُ

بحار الانوار ج ۱ ص ۲۰۶

ترجمه: شهید ثانی در کتاب آداب روایت کرده است که در زبور داوود آمده است؛ ای داوود به عقلا و بزرگان بنی اسرائیل بگو: با مردم پرهیزکار و متقی معاشرت کنند اگر در میان آنها انسانی پرهیزکار نیافتند با علما هم صحبت شوند و اگر آنها را هم نیافتند با عقلا هم صحبت شوند زیرا تقوی و علم و عقل دارای درجه و مرتبه می باشند که هیچکدام از اینها را در کسی که می خواهم او را هلاک کنم قرار نمی دهم.

- علماء ، اتقیا، و عقلا از عناوین نخبه هستند که دستور معاشرت با آنها داده شده است

- پیروی و اطاعت از نخبه

قال علي «عليه السلام» مُجَالَسَةُ الْعُقَلَاءِ تَزِيدُ فِي الشَّرَفِ وَالْعَقْلُ الْكَامِلُ قَاهِرُ الطَّبَعِ السَّوِّءِ

بحار الانوار ج ٧٥ ص ٦

ترجمه : همنشینی با خردمندان شرافت آدمی را می افزاید و عقل کامل بر سرشت بد غالب می شود .

قَالَ عَلِيٌّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» فَسَادُ الْأَخْلَاقِ مُعَاشَرَةُ السُّفَهَاءِ وَصَلَاحُ الْأَخْلَاقِ مُعَاشَرَةُ الْعُقَلَاءِ

کنز الفوائد ج ١ ص ١٩٩

ترجمه : معاشرت با بیخردان باعث تباهی اخلاق و معاشرت با خردمندان باعث نیکویی اخلاق می گردد.

رَوَى عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ أَنَّ النَّاسَ أَرْبَعَةٌ رَجُلٌ يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ مُرْشِدٌ عَالِمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَرَجُلٌ يَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ غَافِلٌ فَأَيُّقُظُوهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَعْلَمُ فَذَاكَ جَاهِلٌ فَعَلِّمُوهُ وَرَجُلٌ لَا يَعْلَمُ وَيَعْلَمُ أَنَّهُ يَعْلَمُ فَذَاكَ ضَالٌّ فَأَرْشِدُوهُ

عوالی اللثالی ج ٤ ص ٧٩

ترجمه : همانا مردم چهار دسته اند : مردی که می داند که می داند ، او راهنمای دانایی است پس از او پیروی کنید و مردی که می داند و نمی داند که می داند، او غافل است پس او را هوشیار کنید و مردی که نمی داند و می داند که نمی داند، او جاهل است پس او را آگاه کنید و مردی که نمی داند و گمان می کند که می داند، او گمراه است پس او را راهنمایی کنید .

- تبعیت جامعه از نخبگان

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» يَقُولُ اسْتَشِرَّ الْعَاقِلُ مِنَ الرِّجَالِ الْوَرَعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَإِيَّاكَ وَالْخِلَافَ فَإِنَّ خِلَافَ الْوَرَعِ الْعَاقِلِ مَفْسَدَةٌ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا

محاسن برقی ج ٢ ص ٦٠٢

ترجمه : با انسان های پرهیزکار عاقل مشورت کن که جز به نیکی فرمان نمی دهند و مبادا با او مخالفت کنی چرا که مخالفت با پرهیزکار عاقل مایه تباهی دین و دنیا می باشد .

- وظیفه اجتماع استفاده از مشاوره با نخبگان

قال علي «عليه السلام» : وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ

تحف العقول ص ٢٠٢

ترجمه : فقر ونداری انسان فهیم و عاقل را از حجت و دلیل خویش لال می کند . (باز می دارد)

- فقر باعث نا کار آمدی نخبه می گردد

- تأمین نخبه

قَالَ عَلِيٌّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» : مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِمَاعَ عَنْ ذَوِي الْعُقُولِ مَاتَ عَقْلُهُ

ترجمه: هر کس حرف شنوی از عاقلان را رها کند، عقل او می میرد.

- حرف شنوی از نخبگان

قال علی «علیه السلام»: رِئَاسَةُ الْعِلْمِ أَشْرَفُ رِئَاسَةٍ

غررالحکم ص ۲۳۸

ترجمه: ریاست علم شریف ترین ریاست است.

- اهمیت مدیریت نخبگان بر جامعه

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ «عَلِيهِ السَّلَامُ» قَالَ إِنَّ الرِّئَاسَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا

اصول کافی ج ۱ ص ۱۱۴

ترجمه: همانا ریاست فقط برای اهل آن شایسته است.

- شایسته سالاری

قال الصادق «عليه السلام» ثلاثة لا يخالفهم إلا شقى العالم العامل و اللبيب العاقل و الإمام المقسط

مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۲۱

ترجمه: سه گروه هستند که جزانسان بدبخت با آنها مخالفت نمی کند: عالمی که به علمش عمل کند، خردمند عاقل، امام عادل

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْقَاسِمِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» يَقُولُ اسْتَرَشِدُوا الْعَاقِلَ وَ لَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا

امالی طوسی ص ۱۵۳

ترجمه: از انسان عاقل راهنمایی بخواهید و با او مخالفت نکنید که پشیمان می شوید.

- طلب رشد از نخبه کردن

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اسْتَشِرِ الْعَاقِلَ مِنَ الرِّجَالِ الْوَرَعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَ إِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ مُخَالَفَةَ الْوَرَعَ الْعَاقِلِ مَفْسَدَةٌ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا

- عدم تبعیت از نخبه خیرخواه باعث فساد دین و دنیای مردم میگردد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَإِيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَطَبَ

ترجمه: مشورت کردن با انسان خردمند و خیرخواه باعث رشد و برکت می شود و توفیقی از جانب خداوند است پس اگر انسان عاقل خیرخواه تو را مطلبی فرمود مبادا با او مخالفت کنی که مایه ی هلاکت است .

- تبعیت از نخبه خیرخواه باعث پیشرفت و عدم تبعیت از او باعث سختی و رنج می گردد

قال علی «علیه السلام» عداوة العاقل خیر من صداقة الجاهل

غررالحکم ص ۵۰

ترجمه: دشمن عاقل بهتر از دوست نادان است

- مردم هنگام مخالفت عاقل نباید آنرا به حساب منافع شخصی عاقل حساب کنند بلکه رجوع به خویشان کنند و عامل مخالفت عاقل را برطرف نمایند = اصلاح

فَاحْتَفَظُوا مِنَ الْعُلَمَاءِ الْكَذِبَةَ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ ثِيَابُ الصُّوفِ مَنَكَّسُو رُءُوسِهِمْ إِلَى الْأَرْضِ يُزَوِّوْنَ بِهِ الْخَطَايَا يَطْرُقُونَ مِنْ تَحْتِ حَوَاجِبِهِمْ كَمَا تَرْمُقُ الذَّنَابُ وَقَوْلُهُمْ يُخَالِفُ فَعَلَهُمْ

ترجمه: مراقب علماء دروغین باشید، آنانکه لباس پشمی می پوشند و سر به زیر می اندازند و قول و فعلشان یکی نیست .

- وظیفه جامعه - لزوم بیداری جامعه نسبت به نخبگان سوء

غررالحکم ص ۴۲۹

قال علی «علیه السلام»: أكثر الصلاح و الصواب فی صحبة أولى النهی و الألباب

ترجمه: بیشترین صلاح و درستی در همراهی صاحبان عقل و خرد است .

غررالحکم ص ۴۴۲

شاور ذوی العقول تأمن الزلل و الندم

ترجمه: با انسان عاقل مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان باشی.

همان

من شاور ذوی العقول استضاء بأنوار العقول

ترجمه: کسی که با انسانهای عاقل مشورت کند از روشنایی عقل ها بهره می برد.

الحزم النظر فی العواقب و مشاوره ذوی العقول

غررالحکم ص ۴۷۵

ترجمه: دوراندیشی، نظر کردن در سرانجام کارها و مشورت کردن با صاحبان عقل می باشد.

- اثرات مشاوره با نخبگان:

- ایمنی از لغزش و پشیمانی

- نورانیت و روشنی

فَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ جُعِلْتَ لَهُ فِتْنَةً وَ أَنَّهُ مُبْتَلَىٰ فِيكَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ عَلَيْكَ مِنَ السُّلْطَانِ وَ أَنْ تُخْلِصَ لَهُ فِي النَّصِيحَةِ وَ أَنْ لَا تُمَاحِكُهُ وَ قَدْ بَسَطَتْ يَدُهُ عَلَيْكَ فَتَكُونُ سَبَبَ هَلَاكِ نَفْسِكَ وَ هَلَاكِهِ وَ تَذَلُّ وَ تَلَطُّفٌ لِإِعْطَائِهِ مِنَ الرِّضَا مَا يَكْفِيهِ عَنكَ وَ لَا يُضِرُّ بَدِينِكَ وَ تَسْتَعِينُ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ بِاللَّهِ وَ لَا تُعَازِرُهُ وَ لَا تُعَانِدُهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ عَقَقْتَهُ وَ عَقَقْتَ نَفْسَكَ فَعَرَضْتَهَا لِمَكْرُوهِهِ وَ عَرَضْتَهُ لِلْهَلَاكِ فِيكَ وَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَكُونَ مُعِينًا لَهُ عَلَى نَفْسِكَ وَ شَرِيكًا لَهُ فِيمَا أَتَىٰ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالْتَعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الِاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالُ عَلَيْهِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا لَا غَنَىٰ بِكَ عَنْهُ مِنَ الْعِلْمِ بِأَنْ تُفَرِّغَ لَهُ عَقْلَكَ وَ تُحَضِّرَهُ فَهَمَكَ وَ تُزَكِّيَ لَهُ قَلْبَكَ وَ تُجَلِّيَ لَهُ بَصَرَكَ بِتَرْكِ اللَّذَاتِ وَ نَقْصِ الشَّهَوَاتِ وَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ فِيمَا أَلْقَىٰ إِلَيْكَ رَسُولُهُ إِلَىٰ مَنْ لَقِيكَ مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ فَلزِمَكَ حُسْنَ التَّادِيَةِ عَنْهُ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَخُنْهُ فِي تَادِيَةِ رِسَالَتِهِ وَ الْقِيَامِ بِهَا عَنْهُ إِذَا تَقَلَّدْتَهَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْمُلْكِ فَتَحْوُ مِنْ سَائِسِكَ بِالسُّلْطَانِ إِلَّا أَنْ هَذَا يَمْلِكُ مَا لَا يَمْلِكُهُ ذَاكَ تَلزِمَكَ طَاعَتُهُ فِيمَا دَقَّ وَ جَلَّ مِنْكَ إِلَّا أَنْ تُخْرِجَكَ مِنْ وَجُوبِ حَقِّ اللَّهِ وَ يَحْوِلَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ حَقِّهِ وَ حُقُوقِ الْخَلْقِ فَإِذَا قَضَيْتَهُ رَجَعْتَ إِلَىٰ حَقِّهِ فَتَشَاغَلْتَ بِهِ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

قال علي «عليه السلام» من حسنت سياسته وجبت طاعته

غررالحكم ص ۳۳۱

ترجمه: کسی که مدیریت او نیکو باشد پیروی از او لازم است.

قال أمير المؤمنين «عليه السلام» إن الله لا يعذب العامة بذنب الخاصة إذا عملت الخاصة بالمعصية سراً من غير أن تعلم العامة فإذا عملت الخاصة بالمعصية جهاراً فلم تغير ذلك العامة استوجب الفريقان العقوبة من الله عز وجل

تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۶، ص: ۱۳۶

ترجمه: خداوند عوام را به واسطه گناه خواص عذاب نمی کند در صورتی که خواص آن گناه را در نهان مرتکب شوند و عوام هم از آن اطلاع نداشته باشند ولی هنگامی که خواص خطایی را آشکارا مرتکب شوند و عوام هم آنها را تغییر ندهند هر دو مستوجب عقوبت و عذاب می گردند.

- نخبه تازمانی که در مسیر است قابلیت پیروی دارد اما زمانی که از مسیر خارج شد بر توده مردم است که ابراز مخالفت نمایند

قال الصادق «عليه السلام»: الْعَاقِلُ لَا يَسْتَخْفُ بِأَحَدٍ وَ أَحَقُّ مَنْ لَا يَسْتَخْفُ بِهِ ثَلَاثَةُ الْعُلَمَاءِ وَ السُّلْطَانُ وَ الْإِخْوَانُ لِأَنَّهُ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْعُلَمَاءِ أَفْسَدَ دِينَهُ وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالسُّلْطَانِ أَفْسَدَ دُنْيَاهُ وَ مَنْ اسْتَخَفَّ بِالْإِخْوَانِ أَفْسَدَ مَرْوَتَهُ ..

بحار الانوار ج ۷۵ ص ۳۳۳

ترجمه: انسان عاقل هیچ کسی را خوار نمی کند و شایسته ترین افرادی که نباید آنها را خوار نمود سه دسته اند: عالمان، حاکمان، برادران. زیرا هرکس عالم را خوار کند دین خویش را فاسد کرده و هرکس حاکم را خوار کند دنیای خویش را تباه کرده و هرکس برادرانش را خوار کند مردانگی اش را تباه نموده است.

قال علي «عليه السلام»: فكر العاقل هداية (الفظن هداية)

غررالحكم ص ۵۱

ترجمه: فکر انسان عاقل مایه ی هدایت است .

- استفاده از فکر نخبگان و اهمیت آن در اصلاح جامعه

غررالحکم ص ۵۵

قال علي «عليه السلام»: رأى العاقل ينجى

ترجمه: نظر انسان عاقل نجات دهنده است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صلى الله عليه وآله وسلم» أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ زَلَّةُ عَالِمٍ أَوْ جِدَالٌ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ

خصال ج ۱ ص ۱۶۳

ترجمه: سخت ترین چیزهایی که برامت خود از آن بیمناکم سه چیز است: لغزش عالم، استدلال منافق از قرآن، و دنیا دوستی که شما را تا سرحد هلاکت می برد پس نسبت به دنیا برای خود بدبین باشید.

إِنَّ شَرَّ النَّاسِ لِرَجُلٍ عَالِمٌ آثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى عِلْمِهِ فَأَحْبَبَهَا وَطَلَبَهَا وَجَهَدَ عَلَيْهَا حَتَّى لَوْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَجْعَلَ النَّاسَ فِي حَيْرَةٍ لَفَعَلَ وَمَا ذَا يُغْنِي عَنِ الْأَعْمَى سَعَةُ نُورِ الشَّمْسِ وَهُوَ لَا يُبْصِرُهَا كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنِ الْعَالِمِ عِلْمُهُ إِذَا هُوَ كَمَّ يَعْمَلُ بِهِ مَا أَكْثَرَ ثَمَارَ الشَّجَرِ وَلَيْسَ كُلُّهَا يَنْفَعُ وَلَا يُؤْكَلُ وَمَا أَكْثَرَ الْعُلَمَاءَ وَلَيْسَ كُلُّهُمْ يَنْتَفِعُ بِمَا عِلْمٌ وَمَا أَوْسَعَ الْأَرْضَ وَلَيْسَ كُلُّهَا تُسْكَنُ وَمَا أَكْثَرَ الْمُتَكَلِّمِينَ وَلَيْسَ كُلُّ كَلَامِهِمْ يُصَدِّقُ فَاحْتَفِظُوا مِنَ الْعُلَمَاءِ الْكَذِبَةَ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ ثِيَابُ الصُّوفِ مِنْكَسُورَةٌ وَسِهِمٌ إِلَى الْأَرْضِ يُزَوِّرُونَ بِهِ الْخَطَايَا يَطْرُقُونَ مِنْ تَحْتِ حَوَاجِبِهِمْ كَمَا تَرْمُقُ الذَّنَابُ وَقَوْلُهُمْ يَخَالِفُ فَعَلَهُ

عن أبي عبد الله «عليه السلام» قال: إذا رأيتم العالم محباً للدنيا فاتهموه على دينكم فإن كل محب يحوط ما أحب

اصول کافی ج ۱ ص ۱۱۳

ترجمه: هنگامی که دیدید عالم دوستدار دنیاست پس او را نسبت به دینتان متهم کنید زیرا دوستدار هر چیزی گردد محبوبش می گردد.

- عدم تبعیت جامعه از نخبه دنیا گرا

نقش نخبه در اصلاح و يا افساد جامعه

لَا تَصْلَحُ عَوَامُ أُمَّتِي إِلَّا بِخَوَاصِّهَا. قِيلَ: مَا خَوَاصُّ أُمَّتِكَ؟ فَقَالَ: «خَوَاصُّ أُمَّتِي أَرْبَعَةٌ: الْمُلُوكُ؛ وَالْعُلَمَاءُ؛ وَالْعِبَادُ؛ وَالتُّجَّارُ.» قِيلَ: كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْمُلُوكُ رُعَاةُ النَّاسِ فَإِذَا كَانَ الرَّاعِي ذُنْبًا فَمَنْ يَرَعِي الْغَنَمَ؟ وَالْعُلَمَاءُ أَطْبَاءُ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الطَّيِّبُ مَرِيضًا فَمَنْ يُدَاوِي الْمَرَضِيَّ؟ وَالْعِبَادُ دَلِيلُ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الدَّلِيلُ ضَالًّا فَمَنْ يَهْدِي السَّالِكُ؟ وَالتُّجَّارُ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ اللَّهُ فَإِذَا كَانَ الْأَمِينُ خَائِنًا فَمَنْ يُعْتَمَدُ

مواعظ العددية، صفحه ۱۲۴.

ترجمه: گفته شد: چگونه؟ فرمود: ملوک چوپان خلق هستند پس اگر چوپان گرگ باشد چه کسی گوسفندان را می چراند؟ و علما طیب خلق اند پس اگر طیب بیمار باشد چه کسی بیماران را مداوا می کند و عابدان راهنمای خلق اند پس اگر راهنما گمراه باشد چه کسی راهروان را به مقصد می رساند و بازرگانان امین خدا در خلق اند پس اگر امین خائن باشد به چه کسی می توان اعتماد نمود؟

- چگونگی افساد و اصلاح اجتماع به وسیله نخبگان

قال علی «عليه السلام»: لما سئل عن احوال العامة قال انما هي من فساد الخاصة وانما الخاصة ليقسمون على خمس: العلماء وهم الادلاء على الله و الزهاد وهم الطريق الى الله و التجار وهم امناء الله والغزاه وهم انصار دين الله والحكام وهم رعاه خلق الله فاذا كان العالم طماعا وللمال جماعا فبمن يستدل؟ واذا كان الزاهد راغبا ولما في ايدي الناس طالبا فبمن يقتدى؟ واذا كان التاجر خائنا وللزكاة مانعا فبمن يستوثق؟ واذا كان الغازي مرائيا وللكسب ناظرا فبمن يذب عن المسلمين؟ واذا كان الحاكم ظالما وفي الاحكام جائرا فبمن

ينصر المظلوم على الظالم؟ فوالله ما اتلف الناس الا العلماء الطماعون والزهاد الراغبون و التجار الخائنون و الغزاة المرأون والحكام الجائرون و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون

ترجمه: هنگامی که از ویژگی های عوام از امیرالمؤمنین سؤال شد، فرمودند: فساد عوام در گرو فساد خواص است و خواص بر پنج دسته اند: عالمان که راهنمایان به سمت خداوند می شوند و زاهدان که راه به سوی خدا می باشند و تاجران که امینان خداوند می باشند و جنگجویان که یاری کننده دین خدایند و حاکمان که تدبیر کننده امور خلق خدا می باشند. پس هنگامی که دانشمند حریص و در فکر جمع آوری مال و اموال باشد پس از چه کسی می توان راهنمایی گرفت؟ و اگر زاهد علاقمند به دنیا باشد و آنچه در دست مردم است را درخواست کند پس به چه کسی می توان اقتدا نمود؟ و هنگامی که تاجر خائن شود و از پرداخت زکات دست بردارد پس به چه کسی می توان اعتماد کرد؟ و هنگامی که جنگجو ریاکار و به دنبال منافع خویش باشد پس به واسطه چه کسی می توان از مسلمانان دفاع کرد؟ و هنگامی که حاکم ستمگر باشد و در قضاوت ها جور و ستم روا دارد پس بواسطه چه کسی می توان ستمدیده را یاری نمود؟ پس به خدا قسم، مردم فقط بواسطه عالمان حریص و زاهدان دنیا دوست و تاجران خیانتکار و جنگجویان ریاکار و حاکمان ستمگر هلاک و تباہ می شوند و به زودی کسانی که ظلم می کنند خواهند دانست که به کجا باز خواهند گشت.

قِيلَ لَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ «عليه السلام» مَنْ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ أُمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى؟ قَالَ الْعُلَمَاءُ إِذَا صَلَحُوا قِيلَ فَمَنْ شَرَّارُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ إِبْلِيسَ وَ فِرْعَوْنَ وَ نُمْرُودَ وَ بَعْدَ الْمُتَسَمِّينَ بِأَسْمَائِكُمْ وَ الْمُتَلَقِّينَ بِالْقَابِكُمْ - وَ أَلَا خَذِينَ لَأَمْكَنَتَكُمْ وَ الْمُتَأَمِّرِينَ فِي مَمَالِكِكُمْ؟ قَالَ الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا هُمُ الْمُظْهَرُونَ لِلْأَبَاطِيلِ الْكَاتِمُونَ لِلْحَقَائِقِ وَ فِيهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْلَيْكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا

ترجمه: بهترین خلق خدا بعد از امامان هدایت و روشنگران تاریکی چه کسی است؟ فرمود: دانشمندان صالح. گفته شد بدترین خلق بعد از ابلیس و فرعون و نمروود و بعد از آنانکه خود را به اسامی شما نامیدند و لقب های شما را به خود دادند و جایگاه شما را گرفتند و در ملک شما امارت کردند کیست؟ فرمود: دانشمندان فاسد. آنها هستند که باطل را آشکار می کنند و حق را می پوشانند و خداوند در مورد آنها فرمود: آنها کسانی هستند که خدا و لعنت کنندگان آنها را لعنت می کند مگر آنانکه توبه کرده اند.

قَالَ الْكَاطِمُ «عليه السلام» مَنْ اسْتَنَّ بِسُنَّةِ حَسَنَةٍ فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ وَ مَنْ اسْتَنَّ بِسُنَّةِ سَيِّئَةٍ فَعَلَيْهِ وَزْرُهَا وَ وَزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ

اختصاص مفید ص ۲۵۱

ترجمه: کسی که سنت نیکویی را پایه ریزی کند پس پاداش آن سنت و پاداش هر کس که به آن سنت عمل کرده برای اوست بدون اینکه از اجر و پاداش آنان چیزی کم بشود و کسی که سنت بدی را پایه ریزی کند پس گناه آن سنت و گناه هر کس که به آن سنت عمل می کند بری اوست بدون اینکه از گناه آنان چیزی کم شود.

- نقش نخبگان دینی در اصلاح و افساد جامعه

قَالَ عَلِيٌّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» : زَلَّةُ الْعَالَمِ كَانِكِسَارِ السَّفِينَةِ تَغْرِقُ وَتُغْرِقُ

کنز الفوائد ج ۱ ص ۳۱۹

ترجمه : لغزش عالم مانند شکسته شدن کشتی است که هم خود غرق می شود وهم دیگران را غرق می کند.

[نهج البلاغه] قَالَ عِ إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَاءً كَانَ دَاءً

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۵۲۱

ترجمه : همانا گفتار حکیمان در صورت درستی ، دارو و در صورت خطا ، مایه درد می باشد.

قَالَ عَلِيٌّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» : بِالرَّاعِي تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ

بحار الانوار ج ۷۵ ص ۷۹

ترجمه : بواسطه حاکم امور مردم اصلاح می شود .

قَالَ عَلِيٌّ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» : حُسْنُ السِّيَاسَةِ قَوَامُ الرَّعِيَّةِ

غرر الحکم ص ۳۳۸

ترجمه : مدیریت نیکو سبب قوام واستواری مردم است .

- جلوگیری از هرج و مرج و بی انضباطی در اثر عملکرد مثبت نخبگان سیاسی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» : إِنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يُهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ فَإِذَا طُمِسَتْ أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهُدَاةُ

اهمیت و جایگاه نخبگان در جامعه

يَا هِشَامُ قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَاقِلِ مَقْبُولٌ مُضَاعَفٌ وَكَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ أَهْلِ الْهَوَى وَالْجَهْلِ مَرْدُودٌ...

تحف العقول ص ۳۸۷

غررالحکم ص ۵۰

- بیان جایگاه عاقل در جامعه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»: إِنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يُهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ فَإِذَا طُمِسَتْ أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهُدَاةُ (تکراری، ترجمه شده است)

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ

بصائرالدرجات ج ۱ ص ۶

ترجمه: عالمی که از علم بهره برداری شود بهتر از عبادت کردن هفتاد هزار عابد است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ زَلَّةُ عَالِمٍ أَوْ جِدَالُ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ

خصال ج ۱ ص ۱۶۳

ترجمه: سخت ترین چیزهایی که برامت خود از آن بیمناکم سه چیز است: لغزش عالم، استدلال منافق از قرآن، و دنیا دوستی که شما را تا سرحد هلاکت می برد پس نسبت به دنیا برای خود بدبین باشید.

قال علي «عليه السلام»: إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَضَلَّ بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةَ مَا خُوذَةَ وَ أَحْيَا بِدَعَاةٍ مَتْرُوكَةً

نهج البلاغه صبحی صالح ص ۲۳۵

ترجمه: بدترین مردم نزد خداوند پیشوای ستمگری است که هم خود گمراه است و هم دیگران بواسطه او گمراه می شوند زیرا که سنت پسندیده را از بین می برد و بدعت مرده را زنده می کند.

- آفت نخبه سیاسی و فرهنگی و مذهبی

آسیب های نخبه (آفات)

قَالَ الصَّادِقُ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: الْعُضْبُ مَمْحَقَةٌ لِقَلْبِ الْحَكِيمِ وَمَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ.

تحف العقول ص ۳۷۱

ترجمه: خشم مایه تباهی دل انسان حکیم است و هر کس که اختیار خشمش را ندارد اختیار عقلش را نیز ندارد.

قال علی «عليه السلام»: آفة الذكاء المكر

غررالحکم ص ۳۳۲

ترجمه: آفت ذکاوت و زیرکی، حيله گری است.

تحف العقول ص ۵۴

وَاعْلَمْ أَنَّ الْإِعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَآفَةُ الْأَلْبَابِ

ترجمه: بدان که خودبینی مخالف درستی و آفت عقل ها می باشد.

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» لَا يَكُونُ السَّفَهُ وَالْغِرَّةُ فِي

اصول کافی ج ۱ ص ۸۸

قَلْبِ الْعَالِمِ

ترجمه: بی خردی و فریب در قلب انسان عاقل وجود ندارد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيَأْهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنْ

دعائم الاسلام ج ۱ ص ۹۸

النَّارِ إِنَّ الرُّسَاةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا

ترجمه: کسی که علم را بخواهد تا بردانشمندان دیگر مباحث کند یا با بی خردان جدال کند و یا توجه مردم را به خود جلب سازد

، جایگاه او در آتش است و ریاست فقط شایسته اهل آن است.

- مرآة بسفهاء

- جلب توجه مردم

- فخر فروشی

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعَذِّبُ سِتَّةَ بَسْتِ الْعَرَبِ بِالْعَصِيْبَةِ وَالِدَهَاقَةَ بِالْكِبْرِ وَالْأُمَّرَاءَ بِالْجَوْرِ وَالْفُقَهَاءَ بِالْحَسَدِ

وَالْتُّجَّارَ بِالْخِيَانَةِ وَأَهْلَ الرُّسْتَقِ بِالْجَهْلِ

ترجمه: خداوند شش طایفه را به خاطرشش ویژگی عذاب می کند: عرب را به جهت تعصب، و کدخدایان را به جهت تکبر، و

حاکمان را به جهت ستم، و فقیهان را به جهت حسادت، و تاجران را به جهت خیانت، و اهل روستاها را به جهت جهالت و نادانی.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ «عَلَيْهِ السَّلَامُ»: إِنَّ مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَخْزَنَ عِلْمَهُ وَلَا يُؤْخِذَ عَنْهُ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الْأَوَّلِ مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ إِذَا وَعَظَ أَنْفَ وَإِذَا وَعَظَ عَنَّفَ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الثَّانِي مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَرَى أَنْ يَضَعَ الْعِلْمَ عِنْدَ ذَوِي الثَّرْوَةِ وَالشَّرَفِ وَلَا يَرَى لَهُ فِي الْمَسَاكِينِ وَضِعًا فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الثَّلَاثِ مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَذْهَبُ فِي عِلْمِهِ مَذْهَبَ الْجَبَابِرَةِ وَالسَّلَاطِينِ فَإِنْ رُدَّ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ قَوْلِهِ أَوْ قُصِّرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ غَضِبَ فَذَلِكَ فِي الدَّرَكِ الرَّابِعِ مِنَ النَّارِ وَمِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَطْلُبُ أَحَادِيثَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى آناً سَلُونِي وَلَعَلَّهُ لَا

ترجمه: گروهی از علما دوست دارند علم خود را مخفی کنند و از آن استفاده نشود اینان در درک اول جهنم قرار دارند. گروه دیگر هنگامی که موعظه می شود ناراحت و هنگامی که موعظه می کند بد رفتاری می کنند. اینان در درک دوم جهنم قرار دارند. گروهی دیگر کسانی هستند که علم را جایگاه ثروتمندان و بزرگان می دانند و برای مساکین جایگاهی قائل نیستند، اینان در درک سوم جهنم قرار دارند. گروه دیگر کسانی هستند که با علم خود در مسیر ستمکاران و سلاطین می روند و اگر چیزی از حرف آنان پذیرفته نشود یا کوتاهی شود خشمگین می شوند اینان در درک چهارم جهنم قرار دارند و گروهی دیگر به دنبال احادیث یهود و نصاری هستند تا با استفاده از آن علم خود را زیادتر کنند، اینان در درک پنجم جهنم قرار دارند و گروه دیگر کسانی هستند که خود را مرجع مردم قرار می دهند و می گویند: از من پرسید...

- روایت بسیار مهم درباره آفات نخبگی و طبقه بندی آنها

غررالحکم ص ۳۴۶

قال علی «عَلَيْهِ السَّلَامُ» بِنَسِ السِّيَاسَةِ الْجَوْرِ

ترجمه: بد سیاستی است ستم کردن.

- آفت نخبه سیاسی

قال علی ع: لما سئل عن احوال العامة. قال انما هي من فساد الخاصة وانما الخاصة ليقسمون على خمس: العلماء وهم الادلاء على الله والزهاد وهم الطريق الى الله و التجار وهم امناء الله والغزاه وهم انصار دين الله والحكام وهم رعاه خلق الله فاذا كان العلماء طماعا وللمال جماعا فبمن يستدل؟ واذا كان الزاهد راغبا ولما في ايدي الناس طالبا فبمن يقتدى؟ واذا كان التاجر خائنا وللزكاة مانعا فبمن يستوثق؟ واذا كان الغازي مراثيا وللكسب ناظرا فبمن يذب عن المسلمين؟ واذا كان الحاكم ظالما وفي الاحكام جائرا فبمن ينصر المظلوم على الظالم؟ فوالله ما اتلف الناس الا العلماء الطماعون والزهاد الراغبون و التجار الخائنون و الغزاة المراؤون والحكام الجائرون و سيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون

- آفات نخبگی

فهرست منابع :

- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد / شيخ مفيد / م ٤١٣ ق / نشر كنگره شيخ مفيد / قم / ١٤١٣ ق / اول
اختصاص مفيد / شيخ مفيد / م ٤١٣ ق / المؤتمره العالمى / قم / ١٤١٣ ق / اول
أمالى الصدوق / شيخ صدوق / م ٣٨٦ ق / نشر اعلمى / بيروت / ١٤٠٠ ق / پنجم
أمالى المفيد / شيخ مفيد / م ٤١٣ ق / كنگره شيخ مفيد / قم / ١٤١٣ ق / اول
بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار / علامه مجلسى / م ١١١١ ق / نشر اسلاميه / تهران / ١٤١٢ ق
بصائر الدرجات / حسن صفار / م ٢٩٠ ق / نشر كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى / قم / ١٤٠٤ ق / دوم
تحف العقول عن آل الرسول (ص) / ابن شعبه حرانى / قرن چهارم / نشر جامعه مدرسين / قم / ١٤٠٤ ق / دوم
تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / عبد الواحد تيمى آمدى / م ٥٥٠ ق / نشر دفتر تبليغات / قم / ١٣٦٦ ش / اول
التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكرى عليه السلام / نشر مدرسه امام مهدى / قم / ١٤٠٩ ق / اول

الخصال / شيخ صدوق / م ٣٨٦ ق / نشر جامعه مدرسين / قم / ١٣٦٢ ش / اول
 عدة الداعي و نجاح الساعي / ابن فهد حلي / م ٨٤١ ق / دارالكتاب اسلامي / قم / ١٤٠٧ ق / اول
 عيون أخبار الرضا عليه السلام /: شيخ صدوق / م ٣٨٦ ق / نشر جهان / تهران / ١٣٧٨ ق / اول
 الكافي / شيخ كليني / م ٣٢٩ ق / نشر اسلاميه / تهران / ١٣٦٢ ش / دوم
 كنز الفوائد / ابو الفتح كراچكي / م ٤٤٩ ق / نشر دارالذخائر / قم / ١٤١٠ ق / اول
 مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) / ورام ابن ابي فراس / م ٦٠٥ ق / مكتبه فقيه / قم / اول
 مكارم الأخلاق / شيخ حسن فرزند شيخ طبرسي / م قرن ششم / نشر شريف رضى / قم / ١٣٧٠ ش / چهارم
 مستدرک الوسائل / محدث نوري / م ١٣٢٠ ق / نشر موسسه آل البيت / قم / ١٤٠٨ ق / اول
 مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار / فضل بن حسن شيخ طبرسي / م قرن هفتم / نشر حيدريه / نجف اشرف / ١٣٨٥ ق / دوم
 المواعظ العدييه / على مشكيني / نشر الهادي / قم / ١٤٢٤ ق / هشتم
 من لا يحضره الفقيه / شيخ صدوق / م ٣٨٦ ق / نشر جامعه مدرسين / قم / ١٤٠٤ ق / دوم
 وسائل الشيعة / محدث عاملي / م ١١٠٤ ق / نشر آل البيت / قم / ١٤٠٩ ق / اول
 الوافي / فيض كاشاني / م ١٠٩١ / كتابخانه اميرالمومنين (ع) / اصفهان / ١٤٠٦ ق / اول
 نهج البلاغه صبحي صالح / سيد رضى / م ٤٠٦ ق / انتشارات هجرت / قم / ١٤١٤ ق / اول